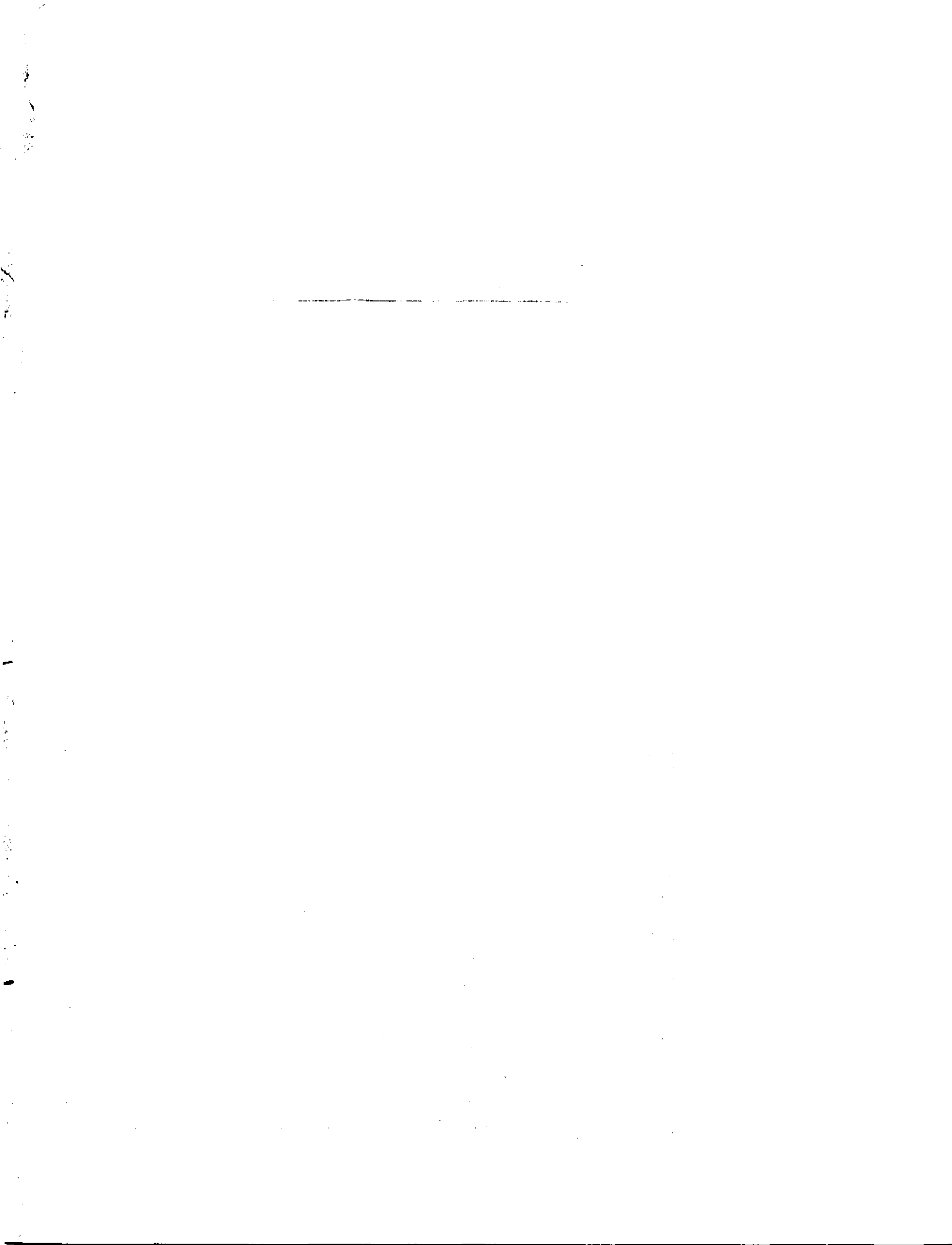


19
10-11





اجباً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند
و در امور سیاسی مداخله نمایند. «حضرت عبدالبهار»

آهنگت بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

شهر السلطان شهر الملک شهر العطار ۱۲۱ بزرگ

بهن و اسفند ۱۳۴۳
فروردین و مارس ۱۹۶۵

شماره ۱۱ و ۱۲ سال ۱۹

شماره مسلسل ۲۱۵ و ۲۱۶

فهرست مندرجات

صفحه

—

۳۵۹

۳۶۲

۳۶۵

۳۷۱

۳۷۷

۳۷۸

۳۸۶

۳۸۸

۳۸۹

۳۹۳

۳۹۵

۴۰۲

۴۰۷

۱- لوح مبارک حضرت بهاء الله جل زکرة الاعلی

۲- قدمی فراتر

۳- طرح نقشه

۴- طلوع یوم جدید

۵- ایادی امرالله (جناب ولی الله و رقا)

۶- زنده عشق (شعر)

۷- وحدت لسان و خط (۴)

۸- شبی از عهد کودکی

۹- نور بخش عالم (شعر)

۱۰- مناسبات روح و بدن

۱۱- نامه های تاریخی (نامه حاجی میرزا احمد رعلی اصفهانی)

۱۲- یادگار دو شهید مجید (پریجان کنیز عزیز الهی)

۱۳- عکسهای تاریخی

۱۴- فهرست عمومی

=====

عکس روی جلد - حظیرة القدس (مدینا) در گینه جدید

هُوَ الظَّاهِرُ النَّاطِقُ الْعَلِيمُ

کتاب نزل بالحق انه لهو الآیه الكبرى لاهل الوردی والرحیق المختوم لمن تمسک باسم الله المهین القیوم
یا اهل المقبل قد حضر کنا بک وقرئه العبد العاضر لدى المظلوم الذی دعا الملوك والمملوک الى الله مالک الملوک
انا سمعنا ذکوک ذکرناک بهذا اللوح الذی ينطق بین الارض والسماء باعلی التداء الملک لله فاطر السماء ومالک الآ
الذی اتی بالحق بسطان مشهور انشاء الله باید در جمع احیان و اوان بذکر وثنای محبوب امکان ناطق
باشی دوستان ارض الف و شین را از قبل حق تکبیر برسان و بگو در کل احوال بنیتر استقامت که از افق سماء آ
آهی اشراق نموده ناظر باشید نفوس خناستیه در فریب و خدعه مشغول هر باطلیکه سبب گمراهی عباد الله شد
و میشود خود را بحق نسبت داده و میدهد انشاء الله باید کل از اهل بصر باشند و ناظر بمنظر اکبر هر نفسی که از او
رایحه بغضا استشمام نمایند او را بخورد و اگذازند و بحق جل جلاله توکل نمایند از قبل جمع دوستان آهی را بنیق
ناعق و امثال آن اخبار نمودیم تا کل مطلع باشند و بمکرو فریب مغلیین و معرضین از مالک یوم دین محروم نمایند
اگر نفسی بجمع کتب عالم بیاید و بغیر ما اراده الله تکلم نماید او از اهل نادر کتاب آهی مذکور است و از قلم اعلی
مسطور لو یأتیکم احد بکتاب الفجار والواح التار دعوها عن ورائکم کذلک یا مرکم من عنده لوح حفیظ و
همچنین اهل آن قریه را از اناث و ذکور از قبل این مظلوم تکبیر برسان و بگو امروز روز ذکر و بیانت است و امروز
روز نصرت و خدمت است باید جمع بکمال اتحاد بر امر مالک ایجا د ثابت و راسخ و مستقیم باشند نصرت امر الله
باعمال طیبه حسنه و بیانات محکمه متقنه بوده و خواهد بود یشهد بذک ما نزل فی الکتاب من لدی الله
العزیز الوهاب جهد غایت تا کل فائز شوید با آنچه الیوم لدی الله محبوبست هر نفسی امروز با استقامت ظاهر شد
او از اعلی الخلق لدی الحق مذکور و مسطور است طوبی از برای نفوسیکه حجبات اسما و اشارات اهل انشایشا
از حق منبع منع نمود و محروم ساخت قسم ببحر بیان که آن نفوس در ملاء اعلی مشهور و معروفند و باسم اربع
ابهی منسوب انشاء الله باید این لوح را از برای اهل آن ارض و اصحاب الف و شین علیهم بهاء الله تلاوت نمائ
تا جمیع قلوب بانوار بیان رحمن منور شوند و با استقامت کبری فائز آتیه هو المؤمن الغفور الکریم الحمد لله العزیز العظیم

قدیمی فراتر

هنگامی این شماره از آهنگ بدیع بدست شما میرسد که صفحه دیگری بر صفحات درخشان تاریخ پرافتخار دیانت بهائی اضافه و بر عمر ناچیز ما نیز در این عالم خاکی یکسال افزوده گردیده است . آنچه که بر جامعه جهانی بهائی در طی این یکسال گذشته چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی بقدری عظیم و اهمیت آنها بقدری فراوان است که اگر تمام صفحات آهنگ بدیع هم بذکر و بیان آنها اختصاص یابد باز حق مطلب ادا نخواهد شد . بجز آن میتوان گفت که نه فقط هر سال نه تنها همراه بلکه هر روز و ساعتی که بر جامعه عالمگیر بهائی میگذرد خود شاهد فتح تازه و پیروزی ^ز براند است و امر الهی با وجود تضییقات متتابعه و اقدامات دشمنان داخله و خارجه با قدرت و سیطره بی نظیری پیش رفته و میرود .

برای آنکه نشان دهیم که در این باب سخنی بگزارف نگفته ایم در این مقام مختصر فتوحات و انتصاراتی را که در همین یکسال گذشته نصیب ^{مع} جا پیروان اسم اعظم گردیده فهرستوار مورد اشاره قرار میدهیم .

سال ۱۲۱ بدیع مصادف با دومین سال تأسیس نخستین بیت عدل

اعظم الهی و مقارن با اعلان نقشه عظیمه روحانی گردید و بهمین جهت انظار اهل بها در سراسر دنیا متوجه و معطوف عظمت دیوان عدل الهی و اهمیت نقشه بدیعه روحانی بود . این نقشه جلیله که نخستین نقشه بیت عدل اعظم و اولین مشروط از مرحله ثانی در تنفیذ فرمان ملئوتی حضرت — عبدالبهاء محسوب مقارن عید سعید اعظم رضوان ^{به} اهل بها در سراسر دنیا ابلاغ گردید و بلافاصله موجی از بهجت و سرور و فوجی از مدافعین

آهنك بد يـع

جانفشان و غيور در هر اقليم برانگيخت در آستان اعلان اين نقشه جهاني و مقارن با حلول سلطان اعياد در عالم بهائي سيزده محفل^{ملي} جديد روحاني در اقطار مختلفه نيای بهائي تأسيس و بد بين ترتيب سيزده ركن ديگر برارگان ديوان عدل اعظم الهی اضافه و عدد محافل مقدسه روحانيه مليه به ۶۹ بالغ گرديد .

متعاقب اين موفقيت عظيم ام المعاهد اروپ که تأسيس در قلب آن قاره محنت زده مورد نظر هيكل مبارك حضرت ولي امرالله و از اهداف مهمه نقشه دهساله بود پس از مدت ها انتظار و اشتياق و با وجود مشاكل بي حد و حساب آماده افتتاح گرديده و در ميقات معين و با پروگرامي بس باشكوه و مجلل بدست ايداي امرالله امه البهار و حيه خانم و با حضور يک هزار و پانصد نفر از ياران شرق و غرب رسماً افتتاح گرديد . بد بين ترتيب مشرق الانكار آلمان پنچمين معبد مرتفعه در ظل امرالله ابواب خود را بوجه ملل و اقوام مختلفه ساکنين مصيبت ديده قاره اروپ باز کرد و بعنوان يك مبلغ صامت در آن سامان سر بر آسمان برافراخت و بار ديگر پيام روح بخش امر بهائي بوسيله صفحات مجلات و جرايد گوشزد اهل عالم گرديد .

مقارن اين افتتاح رسمي کنفرانس تبليغي ياران اروپا در جوار آن معبد رفيع بقصد مشاوره در اجراء اهداف نقشه بد يعه نهساله منعقد و تصميمات لازمه اخذ گرديد .

کنگره ساليانه حضرات ايداي امرالله عليهم بهاء الله در ارض اقدس در جوار مقامات متبرکه بهائي و در جمعيت رجال بيت عدل الهی تشکیل و در رساله اتساع دائره مؤسسه ايداي امرالله مشاورات لازمه بعمل آمد و عدد اعضاي هيئت های معاونت که در اجراء و وظيفه مهمه تبليغ امرالله و حفظ و صيانت شريعت الله ناصر و معين آن حارسان مدنيت الهيه ميباشند در جميع قارات عالم افزايش يافت . در تهيه مقدمات و اجراء اهداف نقشه نه ساله حتى قبل از انقضای يك سال از آغاز آن توفيقات مهم مشهود شد تبليغ دسته جمعی نفوس در مناطق معينه بقره ای اشد از قبل توسع و يافت

آهنگ بدیع

و پیام روح بخش بمسامع قبائل و ملل جدیده رسید - موقوفات بدیعه تا^۴ سیس کششست و نشریات جدیده طبع شد رسمیت امر الله در چند کشور دیگر از ممالک عالم اعلان و بنامحیت تعالیم آن از طرف زمامداران آن ممالک مورد اذعان و اعتراف قرار گرفت .

در مهد امر الله کشور مقدس ایران نیز با وجود ادامه تضيیقات قدیمه و حدوث - مشاکل جدیده امر الهی در طی یکسال گذشته از تقدم و پیشرفت باز نمانده و قریب - موفقیت های مهمه بوده است گرچه این موفقیت ها با فتوحات عظیمه و مشروعات مهمه ای که در عالم بین المللی بهائی انجام گردیده قابل قیاس نیستند ولی با توجه به تضيیقات دائم و قلت امکانات موجوده شایان ذکر و توجه میباشد .

در بادی امر بخاطر میآوریم که وصول ابلاغیه بیت عدل اعظم الهی و اعلان جزئیات نقشه نه ساله تبلیخی چه شور و اشتیاق تازه ای در بین یاران حضرت رحمانی میانداخت و تمهید مقدمات نقشه چگونه در راس اقدامات تشکیلات امریه قرار گرفت .

حجره مبارک حضرت نقده اولی در شیراز ابتیاع و بیت مبارک و سایر اماکن متبرکه در آن - مدینه منوره تعمیر گردید . ساختمان مدرسه تابستانه یکی از ملحقات مشرق الانکار - طهران در اراضی حدیقه تا^۴ سیس و در تابستان گذشته شاهد تشکیل مدرسه تابستانه گردید . دایره نشریات امریه توسعه یافت و عدد مراکز امریه فزونی گرفت و اخیرا نیز در اثر تکثیر مراکز امری و توسعه مشروعات روحانی بفرمان بیت عدل اعظم الهی عدد نمایندگان - انجمن شور ملی روحانی از ۹۵ نفر به ۱۷۱ نفر افزایش یافت .

توجه بمراتب اجمالی فوق معلوم میدارد که جامعه بهائی چه در داخل ایران و چه در خارج آن با وجود تضيیقات موجوده و امکانات محدود هاشد از قبل در سبیل ترقی و تعالی سالک بوده و پیروان آئین نازنین نیز چه در مهد امر الله و چه در ممالک خارجه با وجود امتحانات شدید^۵ نپیروی قاهره میثاق مشاکل حاصله را یک یک مرتفع و در میادین مختلفه بجانفشانی مشغول بودند یقین است این فتوحات و انتصارات در سال آئینده نیز که اهل بهاء^۶ به سال دوم نقشه بین المللی نه ساله وارد میشوند مضاعف و مزید بر سبق خواهد بود .

کاین هنوز از نتایج سحر است

باش تا صبح دولتش بدمد

طرح نقشه

صالح مولوی شاد

اکنون که وارد " دهمین و آخرین مرحله ارتقاء قوه قدسیه الهیه که شهادت بیانات مبارکه حضرت ولی محبوبا مرالله ید قدرت پروردگار از شش هزار سال قبل از دور آدم در جهان پرورده و مقدر است بالمال عالم وجود را مسخر و آفاق را باشراق کوکب جهانتاب امرا عظم مشر منور سازد " شده ایم (۱) و " در این مرحله طویل المدة بیت المدل اعظم متتابعاً نقشه های متعدده ای را تنظیم " (۲) خواهد نمود شایسته است مختصری درباره نقشه کار و اصول طرح ریزی آن نگاشته شود تا نسبت به برنامه ای که در پیش داریم و باید در راه تحقق اهدافش از دل و جان بکوشیم آگاهی بیشتر و نظری روشنتر داشته باشیم .

طرح برنامه و تنظیم نقشه کار هیچگاه از زندگی بشر منفک نبوده و نخواهد بود . هر یک از ما در مراحل مختلف زندگی برای انجام امور شخصی و یا اجرای وظایف اجتماعی و روحانی خود برنامه هایی تهیه و تنظیم میکنیم . هنگامیکه فکر میکنیم چه کارهایی را در چه مدتی و با چه وسائلی انجام دهیم در حقیقت در صد تهیه و طرح نقشه کار خود میباشیم . گاه ممکن است این برنامه فقط بر صفحه ذهن ترسیم شود و گاهی آنرا بر صفحه کاغذ نقل و ثبت میکنیم .

در طرح و تنظیم هر نقشه یا برنامه ای سه عامل اساسی موجود است :

سه عامل اصلی در طرح نقشه

اول - تعیین احتیاجات

دوم - تعیین اهداف

سوم - پیش بینی وسائل و طرق نیل با اهداف

اساساً هر سازمانی و یا هر اجتماعی برای رفع نیازمندی بوجود میآید . چنانکه ادیان و مظاهر مقدسه الهیه نیز برای رفع حوائج معنوی و روحانی عالم بشر ظاهر میشوند . تشکیلات اداری امری نیز در هر محل برای رفع احتیاجات اجتماعی ، روحانی ، و احیاناً مادی احبای آن

آهنگ بدیع

نقطه بوجود میآیند . اگر تشکیلی از این تشکیلات بخواید با توجه به مراحل سه گانه فوق پرنامای برای کار خود تهیه کند روش کار اجمالا از این قرار خواهد بود : - فرض میکنیم این تشکیل - لجنه ای باشد که در شهری برای تأسیس و اداره کتابخانه تشکیل شده است . کار اول این لجنه تشخیص و تعیین احتیاجات بهائیان آن شهر است . باید مطالعه و تحقیق شود که مردم از نظر کتاب و مطالعه چه نیازهایی دارند و دامنه این احتیاجات و نوع آنها چیست . بعد از اینکه این احتیاجات بخوبی معلوم و مشخص شد باید تعیین شود که برای رفع آن احتیاجات چه کارهایی باید انجام داد . این کارها هدفهای این لجنه را معلوم میکند و باید تعیین شود که در چه محلهاست میتوان کتابخانه تأسیس کرد چه مقدار وجه نوع کتابهایی ممکن است در این کتابخانه ها فراهم ساخت و از چه مجله ها و نشریاتی استفاده کرد . نکته بسیار دقیقی در این مرحله باید مورد توجه قرار گیرد . تعیین هدفها باید با توجه کامل با مکانات و مقدرات باشد نه بر اساس آمال و آرزوها بعد از تعیین هدفهای ممکن الحصول به مرحله سوم میرسیم همان مرحله ای که با مرحله دوم آمیخته و مرتبط است . در این مرحله تعیین میشود که اجرای اهداف مورد نظر چه وسائلی لازم دارد چه افرادی مورد نیاز است هزینه اجرای کار چقدر است و از کجا باید تأمین شود و نیز باید معلوم نمود که اجرای این امور و تحقق این اهداف در چه زمانی میسر است .

برگردیم بمثال قبلی یعنی لجنه کتابخانه ممکن است این لجنه بعد از بررسی و مطالعه دقیق نیازمندیهای احباب کتاب و کتابخانه (تعیین احتیاجات) تصمیم بگیرد در پنج نقطه شهر کتابخانه دایر کند و در هر کتابخانه ده هزار جلد کتاب در موضوعهای مختلف فراهم نماید بیست مجله و روزنامه مهم را مرتباً تهیه و در دسترس مراجعین قرار دهد فهرستهای لازم را بر حسب موضوع و نام مؤلف برای کتابها تنظیم کند و وسائل مطالعه در محل کتابخانه را برای مراجعین فراهم سازد (تعیین اهداف)

حال باید مخارج این امور بدقت تعیین و اعتبار لازم تأمین شود . محل کتابخانه ها تعیین گردد و کتب و سایر لوازم تهیه و در محل مناسب قرارداد داده شود . ضمناً باید معلوم نمود که برای همه این امور بچه افرادی احتیاج است و این افراد چه نوع معلومات و تخصصی باید داشته باشند و هر یک چه مقدار از وقت خود را در روز باید صرف اینکار کنند و بالاخره با توجه به تمام این نکات باید تعیین شود که چه وقت احباب میتوانند از کتابخانه ها استفاده کنند (تعیین و انتخاب وسائل اجرای کار) .

آهنسنگ بدیع

طرح نقشه در جامعه بهائی

در جامعه بهائی برنامه های محلی در غرب متداول بود و هست . برنامه های ملی نمونه های بیشتری دارد مثل نقشه ۵ ماهه هجرت ایران و نقشه های ملیه متعددی که در شرق و غرب عالم بهائی تنظیم و اجرا شد و همین نقشه ها جامعه جهانی بهائی را آماده اجرای نقشه های - بین المللی کرد . اول و اعظم این برنامه ها . نقشه جهاد روحانی ده ساله بود که "چندی قبلا بتاج و هاج ظفر و ابتهاج مگلل و مفتخر گردید . . . و اساس نظم بدیع جهان آرایش را در سراسر جهان تاسیس فرمود . . . (۱) و اینک نقشه ۹ ساله جهانی افتتاح میگردد . نقشه ای که مقدر است در روزان ۱۳۰ بدیع یعنی مقارن باگذشت یکقرن از نزول کتاب مستطاب اقدس در مدینه منوره عکا اتمام پذیرد . و از پی این نقشه "بیت العدل اعظم متابعا نقشه های متعدده ای را تنظیم نماید تا جمیع مراحل باقیه در عصر تکوین و زهبی را فراگیرد . . ." (۱) .

کیفیت خاص نقشه های بهائیی

سه عامل اساسیه ای که در طرح و تنظیم هر نقشه و برنامه ای ذکر شد در نقشه های جهاد روحانی بهائی وضعی خاص و کیفیتی ممتاز دارند . نیازی که محرك اصلی طرح و تنظیم این نقشه ها است احتیاج بشریت بنفثات روح القدس ، احتیاج جسم علیل و ناتوان عالم انسانی بداروی شفا بخش تعالیم مقدسه الهیه و بالاخره احتیاج باستقرار مدنیت الهیه بر رویه ویرانه های نظامات عتیق و گذشته است . اهداف این نقشه ها کلا متوجه یک هدف کلی و نهائی است و آن استقرار نظم بدیع جهان آرائی است که شالوده آنرا حضرت بهاء الله بنیان نهاده (۲) . مجریان این نقشه های ملکوتی " پیروان اسم اعظم در سراسر عالم " و وسائل اجرایش قیام و اقدام " دلدادگان جما رحمن در سراسر جهان " و تأییدات و عنایات فیئیه ، جمال اقدس ابهی جل ذکره الاعلی است .

لزوم طرح نقشه

در پایان لازم است اشاره ای بفوائد و لزوم تنظیم نقشه کار برای تشکیلات امریه بشود . اجرای اهداف جهانی بهائی مستلزم تنظیم و اجرای دقیق برنامه های ملی است . موفقیت برنامه های ملی منوط و موکول است باینکه کلیه تشکیلات محلی اعم از محافل و لجنه ها برای هر یک از (بقیه در صفحه ۴۰۴)

(۱) ترجمه پیام عمومی بیت العدل اعظم شید الله ارکانه - مورخ آوریل ۱۹۶۴ -

(۲) دور بهائی صادر از قلم حضرت ولی امر الله صفحه ۹۲ -

طلوع بوم جدید

ایادی امرالله ویلیام سیرز

ترجمه دکتر باهر فرغانی

* شرح ذیل ترجمه قسمت ثانی از فصل آخر کتابی است که ایادی
* امرالله جناب ویلیام سیرز (۱) بنام THIEF IN THE NIGHT برشته
* تحریر در آورده اند .
* ترجمه قسمت اول آن در شماره ۶ سال ۱۷ آهنگ بدیع تحت
* عنوان "روزنه امید کجاست" منتشر گردیده نگارنده در طی قسمت
* اول این فصل سیر تکاملی ادیان الهیه را مورد بحث قرار داده
* سپس با اشاره با وضاع آشفته دنیای کنونی که از نظر تمدن مادیه
* در مراتب عالییه ترقی سالک ولی از جهت روحانی دچار فقر و
* ورشکستگی شدید گردیده لزوم استقرار وحدت عالم انسانی را
* در ظل شریعت مقدسه الهیه متذکر گردیده است و اینک بقیه آن .

مطابق تعالیم حضرت بهاء الله خداوند حقیقت مقدسه واحده ایست لهدادین الله نیز
که ناشی از مشیت و اراده الهیه است فی الحقیقه واحد میباشد . خداوند بمنزله پدر برای همه
اهل عالم و اهل عالم کل بمثابه ابناء يك عائله واحد انسانی محسوب میگردد اصول فرقه ای و
عقاید شعبات مختلفه مذهبی در عصر امروز که وحدت و یگانگی برای نجات عالم بشر ضروری است
مسائل پیش پا افتاده و بی ارزشی بنظر میرسند .

حضرت بهاء الله تعلیم میدهند که این وحدت و یگانگی فقط بقوه الهی و نیروی روحانی
که وسیله پیامبر الهی در عالم انسانی جاری و ساری است امکان پذیر بوده و بعلاوه عالی ترین

آهنک بدیع

را مخاطب ساخته آنان را به بشارات حضرت مسیح و دانیال نبی و اشعیای نبی درباره یوم آخر متذکر - بانقضای دوران انتظار مستبشر و بحلول یوم موعود مطمئن فرمودند . پدر آسمانی که حضرت مسیح بظهورش بشارات داده ظاهر گردیده و اینک امید و اتکای عالم بشری در استقبال از اوست .

حضرت بهاء الله چنین فرمودند :

" قل يا ملاء الا نجمل قد فتح باب السماء واتی من صعد اليها وانه نیادی فی البر والبحر و بیشر الكل بهذا الظهور الذي به نطق لسان العظمة قد اتى الوعد وهذا هو الموعود . الابن فی الوادی المقدس ینادی لبیک اللهم لبیک . . . قل قد جاء الاب وکمل ما وعدتم به فی ملکوت الله . . . (1)

حال باید دید سرنوشت عالم بشریت در صورت اعراض از خدا و قصور در توبه چه خواهد بود ؟

حضرت بهاء الله میفرماید :

" فاعلموا بان الدنيا وزینتها وزخرفها سیفنی و یبقی الملك لله الملك المهیمن العزیز القدیر ستمضی ایامکم وکل ما انتم تشتغلون به و به تفتخرون علی الناس و یحضرکم ملائکة - الامر علی مقرالذی ترجف فیہ ارکان الخلاق و تقشعر فیہ جلود الظالمین و تسئلون عما

(1) لوح ملکه ویکتوریا .

هدفی است که جادارد مصالح محدود تر ملی - نژادی - طبقاتی و مذهبی در راه نیل بآن فدا شوند .

حضرت بهاء الله در لوح ملکه انگلستان ویکتوریا چنین میفرمایند :

" هذا (اتحاد من علی الارض) لا یمکن ابد الا بطیب حادق کامل موید " .

حضرت بهاء الله پیام خویش را بعموم اهل عالم ابلاغ فرمودند ولی مسئولیت مخصوصی بردوش اهل غرب گذاشتند چه که این نفوس بوسیله حضرت مسیح برای یک چنین روزی آماده شده بودند . مسیحیان امروز در حقیقت در برابر آن روز عظیمی قرار گرفته اند که حضرت مسیح از آن بنام " یوم الجزا " یاد کرده است روزی که آنان باید در پیشگاه مظهر الهی تصمیم خود را اتخاذ نمایند .

حضرت بهاء الله خطاب بمالم مسیحی ضمن یادآوری بشارات حضرت روح چنین میفرماید : (ترجمه)

" تسلی دهنده که ظهورش در جمیع زیر و الواج مذکور است اکنون ظاهر گشته تا شمارا بکل علم و معرفت دلالت نماید در جمیع اقطار ارض در جستجوی او باشید اورا بیابید " (1)

آن حضرت در مقام دیگر عالم مسیحیت

(1) دوره های ص ۱۵

آهننگ بدیع

الکترونی را پیش برد - انیشتین (۱) آلمانی
 فرضیه نسبیت را تأسیس کرد - مادام کوری (۲)
 از لهستان رادیواکتیویته را در یک روز کشف نمود
 - راترفورد (۳) از نیوزیلند هسته اتمی را
 شناخت - فرمی (۴) از ایتالیا استحاله اورانیوم
 را برای نخستین بار تحقق بخشید - یاکاوا (۵)
 ژاپنی فرضیه همزاترون را تکمیل نمود -
 هان (۶) از آلمان برای نخستین بار باریم را
 از اورانیوم جدا کرد - نیلس بوهر (۷) از دانمارک
 ساختمان اتم را تجزیه و تحلیل نمود -
 اندرس (۸) امریکائی پوزیترون (۹) را کشف کرد
 - چادویک (۱۰) انگلیسی نوترون را شناخت
 و بالاخره میتنر (۱۱) اطریشی موفق به شکافتن
 اتم گردید . بهمین ترتیب مشابه بود که موشک
 ها و سفینه های فضائی بوجود آمدند .

کشف این قوه عظیمه اتمی ثمره یک مغز
 واحد - یک شخص مخصوص و یک ملت خاص
 و یا گروه مخصوصی از مردم نبود بلکه نتیجه
 مجاهدات دسته جمعی آنان بود . در حال
 حاضر علم بمنزله موم نرمی در دست بشر
 قرار گرفته با میتوانیم با انگشتان خود آنرا

اکتسبتم فی الحیوة الباطله وتجرون بما فعلتم
 وهذا من یوم الذی یاتیکم والساعة التي لا مرد
 لها وشهد بذلك لسان صدق علیم .
 میفرمایند دنیا یا باید متحد شود و یا متضد
 انهدام و اضمحلال گردد . عالم انسانی معنا
 یکی است گرچه خود از این حقیقت غافل است
 لهذا باید چه از لحاظ صوری و چه از نظر
 معنوی متحد شود و حائز احساسات نوع
 دوستی گردیده اصول حیات را بر اساس آن
 استوار سازد . اختراعات و اکتشافات حاصله
 در عالم طب و سایر رشته های علوم ثمره
 مجاهدات مردان و زنان از طبقات مختلفه
 انسانی بوده و برای استفاده قاطبه عالم
 انسانی بمنصه ظهور رسیده اند . از لحظه
 که متولد میشویم تا دقیقه ای که این عالم
 فانی را ترک میگوئیم با ثمرات مجاهدات مردان
 و زنانی محاط هستیم که هرگز پای بند القاب
 و عناوین و رسوم مذهبی و نژادی خاصی
 نبوده اند . قدرت ویران کننده ای که
 تاکنون در درون ذرات اتم محبوس و مکنون
 بوده و اکنون آزاد گردیده ثمره مساعی و
 مجاهدات ملت - نژاد - دین یا طبقه

خاصی نبوده مثلا :

مندلیف روسی جدول تناوب عناصر را

کشف کرد - تومپسون (۱) انگلیسی فرضیه

- | | |
|----------------|---------------|
| (۱) EINSTEIN | (۲) CURIE |
| (۳) RUTHERFORD | (۴) FERMI |
| (۵) YAKAWA | (۶) HAHN |
| (۷) NILS BOHR | (۸) ANDERSEN |
| (۹) POSITRON | (۱۰) CHADWICK |
| (۱۱) MEITNER | |

THOMPSON (۱)

آهنك بدیع

نمایند در غیر این صورت نتیجه ظلمت اندر
ظلمت خواهد بود .

ژنرال ماك ارتور پسر از خاتمه جنگ اخير
در حالیکه از عرشه ناو جنگی میسوری سخنرانی
میگرد دنیا را چنین انداز نمود .

" ما اخيرين فرصت را در اختیار داریم
تنها چیزی که اکنون میتواند بشریت را نجات
دهد يك رستاخیر روحانی است . " نکته قابل
توجه اینکه این بیان از يك کشیش یا مری یا
سیاستمدار نبود بلکه از حلقوم يك ژنرال
معروفی بود که بعنوان فاتح صحبت مینمود .

هرگذا که دستگاه تلویزیون و پرده سینما
و دستگاه رادیو موجود است نفوس بشری آن
منظره ترسناك و صدای وحشتناك ابرهای
قارچ مانند را که یکی از جراید برجسته آنرا
قارچ وحشت نامیده است دیده و شنیده اند .
تا دیر نشده باید فکر کنیم که آیا این ایام
همان ایامی نیست که حضرت مسیح در انجیل
بدان بشارت داده روزهایی که " چون نزد در
تاریکی شب خواهد آمد " و روزهایی که " آتش
مانند باران از آسمان خواهد بارید " حتی
قبل از سال ۱۸۴۴ شاعر معروف توماس گری (۱)
چنین نوشته است :

" زمانی خواهد رسید که با چشمان خود
آسمان را نظاره کنید . تا منظره نبرد در آسمان

بهر شکلی که خواهیم دریاوریم میتوانیم از
آن مظهر جمال و زیبایی بسازیم و یا آلت
قتاله درست کنیم .

مطابق تعالیم بهائی هر چیز که بر یکی
از ابناء بشر موثر واقع شود تمام عالم انسانی
را تحت تأثیر قرار میدهد بعبارت دیگر هر
واقعه ای که در قسمتی از ارض رخ میدهد در
قسمت های دیگر عالم نیز اثرات شدید دارد
چه که تمام اهل عالم ابناء و اعضای عائله
بزرگ و واحد بشری میباشند .

در شرایط حاضر هر نقشه و طراحی گسه
مشیت الهیه را نادیده بگیرد هر اندازه هم
کامل و نیرومند بنظر رسد دارای آینده ای
بی ثمر و یأس آور می باشد . هر طرحی که عمومی
نبوده و شمول بر ملل و ادیان و طبقات
مختلفه اجتماع نداشته باشد قبل از تأسیس
محکوم به سقوط و شکست خواهد بود .

حال باید دید امنیت کجاست و طریق سلامت
کدامست؟ ما در موقعیتی قرار گرفته ایم که یا
باید بسوی خدا بازگشته احساسات خود را
بر اصول روحانی و اخلاقی بنا کنیم و توازنی
بین قلوب و مغزهای خود ایجاد نمائیم
و یا اینکه خود را برای استنزاق در دریای
بلا و مصیبت آماده سازیم . کافی نیست که
این حقیقت از طرف عده محدودی مورد اعتراف
قرار گیرد بلکه جمهور بشر باید از آن استقبا

(1) THOMAS GREY

آهنگ بدیع

را تماشا نمائید .

در حالیکه روستائیان سالخورد .

بگروه پرندگان سرگردان خیره میشوند . "

این مرغان قبلا آمده اند باطیران وحشتنا
خود فضای شهرها را تیره و تار و آثرهای

خطر را بصدا درآورده و لاجرم نفوربیشماری
را مانند حشرات در دل حفره های زمین -

جای داده اند امروز دیگر محلی برای
اختفا وجود ندارد هیچگاه در گذشته این

مرغان پرنده نتوانسته اند آن انهدامی را که
بوسیله حضرت مسیح و زکریای نبی پیشگوئی

شده و مطابق آن نبوات از هر سه نفر دو
نفر معدوم و یک نفر باقی خواهد ماند تحقق

بخشد . تقریبا یکصد سال قبل نویسنده بزرگ
غربی البرت بارنس (۱) نبوت دانیال را (فصل

۹ آیه ۲۷) درباره یوم آخر چنین تفسیر
نمود : چیزی شبیه بالهای مرغ گسترده -

خواهد شد در حالیکه ویرانی را مثل طوفان
برسر مردم فرو میریزد . "

آیا این تخم مرغ های فلزی همان تگرگ
هایی نیستند که در کتب مقدسه بدانها

اشارت یافته ؟

آیا دستگاهای رادار در شهرهای
مختلفه در جستجوی سایه این مرغ در حریم

خود نیستند ؟

آیا دستگاهای صدا سنج خش خش بالهای

این مرغ را نمیشنوند ؟

البرت انشتین فقید در سال ۱۹۵۰ در

یک مصاحبه تلویزیونی بدینسان به عالم انسانی
اعلام خطر نمود :

" مسابقه هیجان انگیز بین ایالات متحدہ

امریکا و شوروی در کشف اسرار بمب هیدرژنی
میتواند دنیا را با نهدام کشانده موجبات سمیت

جو هوارا فراهم نماید . "

حضرت بهاء الله در یک قرن قبل باین

مسئله چنین اشاره فرموده اند :

" اسباب عجیبه غریبه در ارض موجود

و آن اسبابی است که قادر است بر تبدیل

هوا را ارض گلهای و سمیت آن سبب هلاکت ... "

در سال ۱۹۱۲ هنگامیکه حضرت

عبدالبهاء فرزند حضرت بهاء الله بقصد

دعوت اهل غرب به پیام حضرت بهاء الله

و آشنا ساختن نوع بشر بمقام حقیقی خود

(انسان) در عالم غریب بسیار بودند در

پاریس بیان فوق را تکرار و بعد اضافه

نمودند که این قوه عظیمه در جنگ قریب -

الوقوع مورد استفاده قرار نخواهد گرفت

آن حضرت پیش بینی نمودند که جنگ بین -

الملل اول آخرین جنگ نبوده بلکه متاسفانه

یک جنگ بزرگتر و مهیب تر در پی دارد .

حضرت عبدالبهاء در همان ایام

(1) ALBERT BARNES

آهنگ بدیع

این ارتباط صرفاً مولود یک تصادف ساده
و عادی بوده یا در حقیقتاندار خاصی من
جانب الله بوده است ؟

جنگ ثانی نیز سپری شد حال آیا بشر
بصورت دسته جمع بخدا بازگشت نموده خطر
جنگ ثالث را مرتفع خواهد نمود ؟

در حال حاضر کنفرانسهای عالی سیاسی
در مذاکرات خود بکندی پیش میروند در
حالیکه موشکها یکی پس از دیگری بسرعت در
مراکز خود پرتاب میشوند . آیا ممکن است
بازهم بیش از این مفهوم بشارت: " او (مسیح)
مانند دزد در تاریکی شب خواهد آمد "
مورد سوء تفاهم قرار گیرد ؟ آیا سزااست که
بازهم کلمات یوحنا که میگوید :

" توبه کنید چه که ملکوت الهی نزدیک
است " نادیده و نشنیده گرفته شود آیا
چشمانی وجود ندارند که به بینند ؟ آیا
گوشهائی نیستند که بشنوند ؟

حضرت اشعیای نبی چنین بشارت

داده :

" و در آن روز واقع خواهد شد که
خداوند گروه شریفان را بر مکان بلند ایشان
ویاد شاهان زمین را بر زمین سزا خواهد داد (۱)
بشارت ذیل از اشعیای نبی دیگر برای
آینده دور نیست بلکه برای همین ایام است :

به غفلت عالم انسانی از عشق و محبت و تبعمیت
آن از اصول بعد و نفرت اشاره و بی اعتنائی
نوع انسان را در برابر مواظ و اندازات
حضرت بهاء الله که یگانه وسیله حفظ و
صیانت اوست متذکر گردیدند .

" در همان ایام چنین فرمودند (ترجمه)

" در عالم وجود قوه عظیمه ای موجود
که خوشبختانه تا بحال مکتوم مانده است با
از خداوند مسئلت نمائیم مادام که مدنیت
روحانیه بر عقول و افکار بشر تسلط نیافته علم
موفق بکشف آن نگردد چه که این نیرو هرگاه
بدست نفوس مادی فرومایه افتد قادر است
بر انهدام کل ارزش "

و نیز توجه عالم انسانی را باین نکته
معطوف داشتند که همچنانکه حضرت
بهاء الله فرموده اند اگر مدنیت مادیه سیر
افراط به پیماید منشاء شر برای بشر خواهد
بود در حالیکه اگر بصورت معتدل درآید
منشاء خیر و صلاح خواهد گردید .

حضرت عبدالبهاء در باره این " نیروی

عظیمه که میتواند جو فضا را مسموم نماید "

با آقای آراکاما (۱) سفیر دولت ژاپسون
یعنی نماینده همان سرزمینی که اولین بمب
اتمی در جریان آن جنگ بزرگ و مهیب در آن
منفجر شد مخصوصاً مذاکره فرموده اند . آیا

(۱) فصل ۲۴ آیه ۲۱

(۱) ARAKAMA

جناب ولی الله ورقا



جناب ولی الله ورقا فرزند سوم حضرت ورقا شهید که ایشان نیز سومین فرزند جناب حاج ملامهدی عطری یزدی از قدمای مؤمنین بامر مبارک بوده اند در سال ۱۳۶۳ شمسی در شهر تبریز متولد و دوران طفولیت را در مدینه مذکوره گذرانیده اند پس از واقعه شهادت پدر و برادر ایشان در منزل جده مادری خود که تبریز که نهایت بخش و عناد نسبت بامر مبارک مرعی می داشتند و با تحریکات خویش وسایل گرفتاری حضرت ورقا و روح الله را که منجر بشهادتشان گردید فراهم نموده بود در محیطی آلوده به تعصبات و تحت تلقین جده

مذکوره تا سن ۱۶ سالگی بسر آورده و از آن پس بر اثر مساعی عموی بزرگوار خود حاج میرزا حسین از تبریز به میانه و اب منتقل و در ظل سرپرستی ایشان تحت تربیت امری قرار میگیرند پس از چندی از آن رایجان عازم مدینه منوره طهران شده و بهیمت برادر ارشد جناب میرزا عزیز الله خان ورقا علیه رضوان الله ابتدا در مدرسه تربیت و بعد در مدرسه امریکائی بتحصیل مشغول و در محضر دانشمندان بهائی به فراگرفتن معلومات امری میپردازند سپس بعزم زیارت کوی جانان و تشرف بآستان مرکز میثاق الهی عازم مدینه منوره عکا گردید سالی چند در کالج امریکائی بیروت بتحصیل پرداخته و ضمناً حسب الامر مبارک حضرت عبدالبهاء در تحصیلات تابستان به عکا مشرف و در محضر جناب حاج میرزا حیدر علی به کسب معارف امری و دروس تبلیغی میپردازند و در نظر داشته اند که پس از اتمام تحصیلات در کالج بیروت عازم انگلستان شده و تحصیلات عالی را در آن مملکت تعقیب نمایند .

ولی در یکی از روزها کتابستان سال ۱۳۲۶ هجری قمری در هنگام تشرف حضرت عبدالبهاء ارواحنا لعنا یاته الفدا خطاب بایشان میفرمایند تحصیلات شما کافیست بسایند

آهنگ بدیع

بظهران مراجعت نمائید و سپس انجام خدماتی را در ظهران بعهده ایشان محول میفرمایند که بخوبی از عهده انجام آن برآمده اند در هنگامیکه حضرت مولی الوری ارواحنا لمرسه الاطهر فدا عازم کشور امریکا بوده اند اجازه میفرمایند که ایشان نیز افتخار التزام رکاب مبارک را داشته باشند لذا از ظهران مستقیماً بجانب امریکا حرکت و برای بار دوم بخاکپای حضرت مولی الوری مشرف و سمت مترجمی هیکل مبارک و امانت صندوق مسافرت مفتخر میگردند و یک شب در یکی از جلسات که بشرکت عده زیادی از یاران امریکائی در حضور مبارک تشکیل شده بود حضوت عبدالبهاء ارواح من فی العالمین لتراب اقدامه الفدا ایشان را اعضاء و خطاب به احبا میفرمایند امشب میخواهم میرزا ولی الله خان را بشما معرفی کنم و سپس تاریخچه از عیال اجداد ایشان بیان و مطلب را به شهادت حضرات ورقا و روح الله بپایان رسانده و به این جمله خاتمه میدهند که آن طفل دوازده ساله در هنگام شهادت فریاد یا بهاء الابهی میزد " بلافاصله هیکل مبارک از جا برخاسته تشریف فرمای اطاق خصوصی خود شده و احبا صدای گریه مبارک را استماع مینمایند .

جنابورقا بارها در هنگام بیان خاطرات مسافرت امریکا حکایت مینمودند که در آن شب مجلس حالتی داشت که پنداشتی میتوان تموجات روح را در فضای اطاق لمس نمود و خودشان بی اختیار از اطاق خارج و جلوی عمارت بیهوش به زمین می افتند که بعداً احبا متوجه گردیدند ایشان را بداخل عمارت منتقل و به پرستاری مشغول میشوند .

جناب ورقا بسیار مورد عنایت حضرت عبدالبهاء بوده اند و توقیحات و الواح متعدد از قلم آن منبع فضل و عطا بافتخارشان نازل گردیده است در یکی از الواح هیکل مبارک خطاب بایشان در سفر امریکا هنگامیکه بیکی از شهرها مسافرت و ایشان در التزام رکاب نبوده اند با مضمونی بسیار مختصر ولی در نهایت عنایت قرب مراجعت خود را با این کلمات جان پرور بشارت میدهند .

هو الله

ولی خدایا فرقت امتداد یافت اشتیاق اشتداد یافت نامهرسید پرتو صبح مسرت

د مید افسوس که فرصت جواب نیست و مهلت خطاب نیست عنقریب روی تو بینم و گل از باغ تو چنیم ای ولی دلنشینم . ع ع

در سفر اروپا نیز جزء ملتزمین رکاب بوده اند و حکایات بسیار در جمع اهل بها از دوره

آهنك بدیع

این مسافرت تاریخی و دروسگرانهائی که در محضر مبارک آموخته بودند غالباً نقل مینمودند . پس از مراجعت از امریکا بسمت مترجم و منشی اول در سفارت کبرای ترکیه مشغول و از همان ایام به عضویت محفل مقدس روحانی طهران و سپس ریاست آن محفل و پس از تشکیل محفل مقدس روحانی ملی بعضویت و ریاست آن محفل مقدس نیز منتخب و سالیان متمادی در این سمت ها بخدمات امری اشتغال داشته اند . در تمام مدت خدمت اداری طرز رفتارشان بنوعی بوده است که اعضاء سفارتخانه احترام فوق العاده نسبت بایشان ملحوظ و اکثر دستدار امر شده و بطیب خاطر در صد کسب اطلاعات جامعی نسبت به دیانت مقدسه بهائی برمی آمده اند . در سال ۱۳۲۱ شمسی به علت آنکه از طرف سفارتخانه انجام کاری از ایشان تقاضا شد که غیر امور ترجمه بوده و ادنی راعحه دخالت در امور سیاسی از آن استشمام میگردد فوراً از سابقه مستند چندین ساله صرف نظر و از شغل خود استعفا نموده و از آن ببعد تمام اوقات را مصروف خدمات امری نمودند .

جناب ورقا با امة الله بهیه خانم کفرزند منحصر بفرد جناب عطاء الله خان عطائی -

(صنیع السلطان) از متقدمین و خادمین امر و از منسوبین نزدیک آقای کمال الدین نراقسی مخاطب لوح (کل الطعام) میباشند ازدواج نمودند . از این وصلت دارای ۷ فرزند (۳ پسر و ۴ دختر) شدند بدینقرار - ایادی امر الله و امین حقوق دکتر علی محمد ورقا - محمود ورقا - دکتر مهدی ورقا (نویسنده) - ملیحه ورقا (قباد) - منیره ورقا (فرزار) - پروین ورقا (موافق) - لامعه ورقا (نیکان پور) که بحمد الله همگی در ظل امر الله مستظلمند .

در سال ۱۳۱۸ شمسی پس از صعود جناب حاج غلامرضا امین امین علیه غفران الله از طرف مولای رؤوف و مهربان حضرت ولی امر الله ارواحنا لعظامته الفدا بسمت " امین حقوق الله " مفتخر شد و در سال ۱۳۳۱ شمسی طبق اراده مقدسه هیکل مبارک بمقام " ایادی امر الله " مفتخر شدند - چندی بعد بالنیابه از طرف وجود مبارک در کنفرانسهای چهارگانه بین القارات شرکت و پس از خاتمه کنفرانس امریکا حسب الامر هیکل اطهر تمام ممالک امریکای جنوبی را گردش و مراکز امری را بازدید و احبای عزیز را ملاقات نمودند و همچنین پس از خاتمه کنفرانس دهلی جمیع مراکز امری - ممالک مصر - عراق و ترکیه را دیدن نموده بطهران مراجعت نمودند .

جناب ولی الله ورقا در ایام تشریف بحضور حضرت عبدالبهاء در عکا هیکل مبارک حضرت ولی

امر الله ارواحنا لقرته الفداء را در سنین طفولیت زیارت کرده بودند و از آن پس در سال ۱۳۳۲ شمسی

آهنک بدیع

بود که پس از خاتمه کنفرانسهای چهارگانه بین القارات و مراجعت بطهران اذن تشریف استدعا نمود و برای دومین و آخرین بار بزیارت طلعت محبوب نائل شدند و مورد الطاف و عنایات لانهایه مولای عزیز و مهربان بودند و غالب زائرین در مراجعت بطهران نقل مینمودند که هیکل مبارک حضرت ولی امرالله پس از استفسار از سلامتی ایشان فوق العاده اظهار عنایت در حقشان میفرمودند ایشان در دوره حیات به امور شخصی بی اعتناء و در امر امری خصوصا در محافظه حقوق اللهبسیار دقیق بودند . سرعت عمل و انجام فوری دستورات هیکل مبارک یکی از خصائل ایشان بود که بهمین مناسبت مکرر در مکرر تلگرافات تقدیر از ساحت اقدس بافتخارشان شرف صدور مییافت .

از دارالانشاء و محاسبات و منشی و رئیس دفتر و کاغذ پرانی و اندیکاتور نویسی و نظایر آنها بکلی بیزار و معتقد بودند که در تشکیلات امری این عوامل سبب بطی کار و تضعیف بنیه مالی و تفریط صندوق جامعه هستند و امور مربوط به حقوق الله را خود بنفسه انجام و رسیدگی می نمودند و شکرانه این موهبت را همیشه بجای می آوردند .

قریب به دشت سال قبل از صعودشان به بیماری قند مبتلا و در اثر آن بسیار ضعیف و خسته شدند چند ماهی قبل از عزیمت به کامپالا اختلالی در جهاز ادرار پدیدار و تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی پس از شرکت در کنفرانس استکهلم مسافرتی به آلمان و در شهر اولم (Ulm) مورد عمل جراحی قرار گرفتند . پس از خاتمه کنفرانسها و مراجعت به ایران بعلت آنکه عوارض بیماری هنوز باقی بود حسب الامر مبارک مجدداً به اروپا^{عزیمت} و ابتدا در آلمان سپس در وین مشغول معالجه شده و پس از حصول بهبودی نسبی به ایران مراجعت نمودند لکن پس از چند ~~بست~~ ماهی بواسطه شدت دردهای حاصله از بیماری ناگزیر از مسافرت به اروپا گردیدند و این بار ابتدا به فرانسه و ایتالیا و بعد مجدداً به آلمان رفته و در بیمارستان شهر توپینگن بستری شدند .

این بار حالت مزاجی هر روز بدتر و تحلیل قوا بیشتر محسوس و تقریباً تمام معالجات اثر منفی و معکوس می بخشید و فقط عنایات هیکل مبارک و زیارت تلگرافات منیمه که مکرراً بافتخار^{شان} میرسید هر مرتبه روح تازه ای به کالبد رنجورشان بخشیده سبب تدلویل رشته حیات میگردد ولی هر بار که عنایات مبارک شامل حالشان میشد پس از کسب روح جدید و بجا آوردن حمد و ثنا بساحت مقدس مولای بی همتا حالت رقت پیدا کرده و نالان اظهار مینمودند این عبد ناتوان را چه لیاقتی است که خاطر مولای مهربان متوجه احوالش باشد . روزی مرقومه ای از جناب دکتر لطف الله

آهنگ بدیع

حکیم به بیمارستان واصل که مرقوم داشته بودند هیکل مبارک نگران صحت ایشان بوده و منتظر وصول راپرت مفصل از حالت مزاجی و تشخیص اطباء و نتیجه معالجات میباشند . جناب ابوی بنده را مأمور تهیه جواب برای تقدیم بحضور مبارک نمودند ولی موکدا سفارش کردند که بجناب دکتر حکیم بنویس که در این هنگام که خاطر مقدس مولی الانام به قضایای ایران و بلایای وارده بردوستان ستم دیده آنسامان معطوف و متوجه است از نفس خود خجل و شرمنده ام که دقایقی چند نیز اوقات گرانبهای آن محبوب بی همتا به قرائت شرح احوال این بنده ضعیف و بینوا مصروف گردد . تقریبا یکهفته به خاموشی شمع حیاتشان مانده بود که روزی از ساحت اقدس تلگرافی واصل وطن آن هیکل مبارک ضمن اظهار نگرانی احوال پرسی فرموده بودند این بنده در جواب شرحی مخابره و شدت بیماری و یأس اطباء از معالجه بمحضر انور معرونی داشتم و روز بعد تلگراف مجددی بافتخار این عید بمضمون ذیل زیارت گردید " از اخبار مربوطه به پدر عزیز متأثر حضرت عبدالبهاء آغوش محبت برای او باز نموده اند " (شوقی) زیارت این تلگراف مبارک تعلق اراده مقدسه الهیه را بر خاموشی نور حیات و قرب ساعت فراق معلوم مینمود . سه روز بعد یعنی روز شنبه ۲۰ آبانماه ۱۳۳۴ شمسی ساعت ۶ بعد از ظهر جسم رنجورشان پس از تحمل ماههای متوالی درد و بیماری از قید زندگی در عالم ترابی خلاصی یافت و روح تابناکشان بمال لایزال صعود نمود بمحضر مبارک حضرت مولی الوری ارواح العالمین لترتبه النوراء فدا شرف گردید مراتب تلگرافی بساحت اقدس معرونی و دو روز بعد تلگراف منیعه مبارکه که ترجمه آن ذیلا نقل میشود به افتخار این عید زیارت شد .

" از صعود ایادی برجسته امرا لله و امین بی نظیر حقوق الله و عضو برارنده عزیز ترین جامعه در سراسر عالمیهائی و فرزند و برادر دوشهید جاودانی امرا لله و حواری محبوب مرکز میثاق بهاء از صمیم قلب متألم و متأسف خدمات مشمشع آن خادم عزیز متجاوز از نیم قرن زینت بخش صفحات تاریخ درخشان و عصر رسولی و تکوین آئین ربانی بوده است . اجر خدماتش در ملکوت ابهی جزیل است . توصیه میشود که از طرف این عید بر مزار آن متساعد الی اللهبنای یاد بود شایسته ای برپا شود .

خلعت مقام او بعنوان امین حقوق الله بفرزندش علیمحمد تفویض میگردد به محفل روحانی ملی ایران اطلاع دهید که در مرکز و ولایات محافل تذکرشایسته بیا آن رکن رکین در مهد امر حضرت بهاء الله منعقد نمایند . " (امضای مبارک) شوقی



(جمعیت بهائی زایل در سنه ۱۲۱ بدیع (دیماه ۱۳۴۳))



کانونشن محلی جوانان قسمت امری کرمانشاه



اعضاء احتفال جوانان بهائی هفت تبه
قسمت امری خوزستان و لرستان سنه ۱۲۱ بدیع



لجنه جوانان بهائی مرند با حضور نماینده محفل

زین عشق

زین تاج ثابت

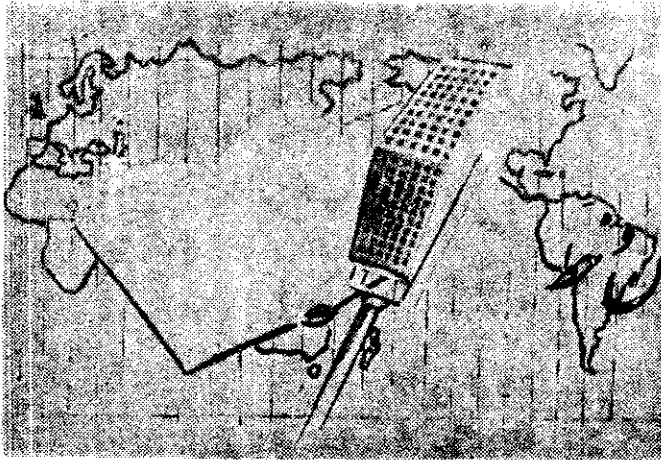
تادیده بانوار جمالش نگران است
بر خاطر ما بار غم او نسه گرانست

هرکس نتواند زند از دوستی شراف
چون مخزن مهرش دل والا گهرانست
بشنو خبری خور که عیان شدن جانان
هرگونه زجان بگذرد از بیخبرانست

جاوید زید شرکه بود زنده بعشقی
آترا که نه عشقی بود از بی بصرانست
فانی است جهان آنچه در آنست بجز عشق
عشق است که باقی بجهان گذرانست

سرمست سر آنکس نشد از باده وصلش
از نشئه آن تا باید جامه در آنست
آشفته اویند همه منعم و درویش
خاک در او قبله صاحب نظران است

عشاق بکویش شناسند سر از پا
"زین" بره عشق زین پا و سرانست



وحدت لسان

« ۴ »

قلم اعلیٰ وحدت لسان وخط را یکی

مهم

ازعلائم بلوغ عالم مقرر

مهم

فرموده اند

مهم

باتوجه بمنافع واثرات واهمیتی گسه
وحدت لسان وخط در دنیاى کتونی ومستقبل
ایام دارد جمال قدم جل اسمه الاعظم در
یک قرن قبل علاوه برتاکیدات اکیده راجع
بلزوم اجرای این امر خطیر و مهم درکتب
مستطاب اقدس تحقق آنرا یکی ازعلائم بلوغ
عالم قرارداد ودرآن سفر کریم پس از تأکید
درخصوص ضرورت اختیار یک زبان عمومی چنین
میفرمایند قوله الاعلیٰ "انا جعلناالامرین
علامتین لبلوغالعالم الاول وهوالأس الاعظم
نزلناه فی الواح اخری والثانی نزل فیهدا -
اللوح البدیع" مضمون آیه مبارکه بفارسی چنین
است "ما تحقق دوامرا علامت بلوغ ورشد
عالم قرار دادیم که علامت اول که اساس اعظم

است درالواح دیژرنازل شده وعلامت نانی
(که مقصود وحدت لسان وخط است) دراین
لوح بدیع (کتاب مستطاب اقدس) نازل
گردیده است " . وحضرت ولی مقدس امراه
در توفیق منیع مبارک مورخ ۹ نوامبر ۱۹۳۳ که
باعزاز جناب اشراق خاوری نازل شده راجع
به علامت اول چنین میفرمایند قوله الاحلی :
" راجع بدو علامت بلوغ عالم که درکتب
مذکور معروض داشته بودید فرمودند مراد
مبارک در لوح سلمان نازل قوله الاحلی :
از جمله علامت بلوغ دنیا آنستکه نفسی تحمل
امر سلطنت ننماید سلطنت بماند واحدی -
اقبال ننند که وحده تحمل نماید " (۱) انتهی
جواز واهمیت فراگرفتن السنه مختلفه -
درام الكتاب دور مقدس بهائی وسایر آثار
و تصور مبارکه تجویز و تأکید شده که اهمل
بها باید درفراترفتن السنه مختلفه قبل از
تأسیس وحدت لسان وخط کمال جدیت را
مهدول دارند تا بمراه و مقصود وافکارومعتقدات
(۱) گنجینه حدود واعلام

آهنک بدیع

شده نازل گردیده است تا اهل بهابطالب
عالیه و مسائل جامعه و حقایق روحانیه که در
متون *نصوص* و آثار عربی این ظهور مبارک
مندر است پی برده و بعظمت و جامعیت
این شریعت ملکوتی و شیرینی کلمات مظهر
الهی واقف گردند و بالنتیجه در تبلیغ و تفهیم
حقایق عالیه و مبادی سامیه این آئین نازنین
با اهل عالم توفیق بیشتری بیابند .

جمال اقدس را بهی از فصاحت و وسعت

این زبان در آثار مبارکه خود تمجید فراوان
نموده و تکلم عموم را باین زبان توصیه فرموده^۱
چنانکه در لوحی از الواح نازل قوله جللت
عظمتة : " . . . و آنچه لدى المرش محبوب
آنست که جمیع بلفظ عربی تکلم نمایند چه که
ابسط از کل لغات است اگر کسی به بسط و
وسعت این لفظ فصیحی مطلع شود البته
آنها اختیار نماید لسان پارسی بسیار ملیح
است و لسان الله در این ظهور بلسان عربی
و فارسی هر دو تکلم نموده و لکن بسط عربی را
نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات ارض نسبت
با و محدود بوده و خواهد بود و این مقام
افضلیت است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه
لفظی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند
و عموم خلق بآن تکلم کنند " (۱)

و در لوح جناب ابوالفضائل گلپایگانی میفرمایند

(۱) مجموعه الواح مبارکه

اقوام و ملل عالم پی برده و در ابلاغ کلمة الله
بنفوس مستعدده و نشر نجات مسکيه الهييه
توفیق یابند . در کتاب مستطاب اقدس از قلم
اعلی این کلمات علیا نازل قوله تعالی : " قد
اذن الله لمن اراد ان يتعلم الا لسن المختلفه
ليبلغ امر الله شرق الارض وغربها ويذكره بين
الدول والملل على شأن تنجذب به الافئده و
يحيى كل عظم رميم " مضمون آیه مبارکه فوق
بفارسی چنین است " خداوند اجازه داده است
به کسیکه بخواهد زبانهای مختلفه را فراگیرد
تا امر الهی را در شرق و غرب عالم تبلیغ نماید
و در بین دول و ملل عالم بشأنی بذکر الهی
مشغول شود که قلوب افراد منجذب و نفوس
مرده زنده شوند "

مولای عزیز اهل بها حضرت ولی امر الله

نیز در توقیحات منیعه مبارکه خود بکرات -
اهمیت فرا گرفتن السنه مختلفه بخصوص زبان
انگلیسی و عربی و بعد آلمانی و روسی را متذکر
و محافل مقدسه روحانیه را با رای این امر
و تشویق احبای الهی مأمور فرموده اند .

فضیلت لسان فارسی و عربی در این

ظهور مبارک

در *نصوص* و آثار مبارکه و توقیحات منیعه

نازله از قلم معجز شیم مولای عزیز اهل بها
تأکیدات اکیده در خصوص فرا گرفتن لسان
عربی که از قلم اعلی به " لفت فصیحی " موصوف

آهنگ بدیع

آنرا از زبان فارسی جدا سازند و بنای هزار ساله ای را که از آهیش زبان فارسی و عربی بدست معماران شعر و ادب ساخته و پرداخته است خراب و ویران نمایند غافل از اینکه دو زبان فصیح و ملیح عربی و فارسی چون شیر و شکر بهم آمیخته شده و جدائی و انفکاک آنها از یکدیگر نه امکان دارد و نه معقول و مفید بنظر میرسد زیرا زبان فارسی در نتیجه آمیزش با لسان عربی وسعت و فصاحت یافته و کامل شده است و اگر لغات عربی را از آن جدا سازیم بسیار ناقص و نارسا خواهد شد .

حضرت ولی مقدس امرالله بکرات تأکید فرموده اند که یاران باید در منشآت و تحریر نشریات و مراسلات امریه از لحن الواح و آثار مبارکه متابعت نمایند و هرگز گرد اینگونه افکار نادرست نگردند چنانچه در توقیع منیع مبارک مورخ ۱۴ شهرالجلال ۱۰۲ بدیع میفرمایند قوله العزیز " قبله راجع باهمیت لغت عربی و تعلیم آن باطفال و تأسی و متابعت لحن الواح مبارکه در منشآت امریه و تقریر و تحریر و نشریات یاران و پیروان امر حضرت رحمن در آنسامان دستور صریح صادر و همچنین بواسطه زائرین تأکید گشت مسامحه و اهمال قطعیا جائز نه و تقلید و ترویج افکار و عقاید حالیه راجع بانفصال ایندو لغت یعنی فارسی و عربی بسیار مضر یاران را محفل ملی روحانی باید

قوله الجلیل " در حلاوت لسان فارسی شك و شبهه ای نبوده و لکن بسط عربی را نداشته و ندارد بسیار چیزهاست که در فارسی تعبیر از آن نشده یعنی لفظی که مدل بر او باشد وضع نشده و لکن از برای هر شیئی در لسان عربی اسماء متعدده وضع شده هیچ لسانی در ارض بوسعت و بسط عربی نبوده و نیست و این کلمه از روی انصاف و حقیقت ذکر شد " (۱) و حضرت عبدالبهاء در لوح میرزا عبدالحسین معلم میفرمایند : " اطفال را تعلیم فارسی و عربی و لسانی از لسن اجنبی لازم یعنی لسان که خود یا آباء اختیار نمایند " .

علاوه بر فضیلت لسان عربی در این دور مبارک از قلم اعلی در تمجید زبان فارسی نیز آیاتی نازل و آنرا " لسان نورا " نامیده اند در یکی از الواح پارسی به ستایش از زبان فارسی چنین میفرمایند قوله الاعلی (۲) " در باره زبان نوشته بودید تازی و پارسی هر دو نیکو است چه که آنچه از زبان خواسته اند پی بردن به گفتار گوینده است و این از هر دو میآید و امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران آشکار و هویدا است هر چه این زبان راستایش نمایند سزاوار است "

متاسفانه از اواخر دوره قاجار بیمد در کشور مقدس ایران عده ای از کوته نظران زبان فصیح عربی را مورد حمله قرار داده و میخواستند

(۱-۲) مجموعه الواح مبارکه

آهنگ بدیع

و عطی برای ایجاد واستقرار يك زبان و خط بین المللی مبذول گردد این احتیاج شدید عالم انسانی را پیش بینی فرموده و چون پزشك دانا در کتاب مستطاب اقدس و سایر نصوص مبارکه تأکیدات اکیده در خصوص اهمیت و لزوم اجرای این امر مهم نازل و طریق وصول باین هدف عالی را نیز توجیه فرموده اند . البته در گذشته ایام افرادی مانند دو فیلسوف بزرگ و نامی یعنی دکارت و لایپ نیتز بوده اند که همیشه آرزو مینمودند زبانی آسان و روشن چون زبان ریاضیات ساخته شود که در همه ممالک و نقاط جهان تحصیل و فهم آن مقدور باشد و لکن این فکر همواره در عالم آرزو و آمال باقیمانده و هیچ اثر عملی تا قرن نوزدهم از آن پدیدار نگشته است زیرا تا این قرن و قبل از طلوع کوکب هدایت الهیه از افق ایران نه يك زبان عمومی اختراع و پیشنهاد شد و نه طریق عملی جهت برقراری آن ارائه گردید .

قبل از بحث راجع به زبانهای بین المللی باید دانست که در ادوار ماضیه یعنی از آن زمان که ملل قوی به تأسیس امپراطوریهای مستقل نائل شدند بشهادت تاریخ معمولاً زبان ملت فاتح در صورت داشتن فصاحت و بساطت و برتری بطور طبیعی و بتدریج بر ملت مغلوب تحمیل میشده است

تذکر دهد و تشویق و دلالت نماید^(۱) انتهای زبانهای بین المللی که تاکنون اختراع شده اند " الحمد لله لسان اسپرانتو پیدا شده و این از خصائص این قرن و از اعلم مشروعات است "

(حضرت عبدالبهاء)

تاریخ ادیان و نهضت های روحانی شاهد است که هر زمان ندای حق مرتفع میشود تاثیر در عقول و افکار میکند و افراد بشری گاهی ندانسته و نشناخته مجری تعالیم و اوامر مظهر الهی میشوند و این مسئله در این ظهور مبارک که موعود کل قرون و اعصار بر عرش ظهور مستقر شده است بیش از ظهورات سابقه مصداق یافته است . فی المثل در قرن نوزدهم ویستم و پس از طلوع شمس حقیقت از افق ایران و تأسیس تعلیم مبارک وحدت لسان و خط برخی از متفکرین و خیر خواهان عالم اقدام با اختراع و انتشار زبان های بعنوان زبان بین المللی نموده و در تعمیم و رواج آنها مساعی فراوان مبذول داشتند و ما در این مقال محض نمونه راجع بدو زبان از مهمترین زبانهای بین المللی که تاکنون از طرف متفکرین اختراع و پیشنهاد شده است اختصاراً مطالبی بیان میداریم تا معلوم شود که چگونه حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی در اواسط قرن نوزدهم میلادی و قبل از آنکه اقدامی جدی

(۱) گنجینه حدود و احکام .

آهن‌گ بدیع

مگر در مواردی که ملت فاتح از حیث تمدن - پست تر از ملت مغلوب بود . در زمان اسکندر کبیر فتوحات او سبب شد که زبان یونانی در سرزمینهای شرق مدیترانه تا حدود مصر و ایران اشاعه یابد . همچنین قدرت و وسعت امپراطوری روم باعث شد که زبان لاتین پاندازه وسعت آن امپراطوری توسعه و گسترش یافت و در حقیقت زبان لاتین در تمام مدت ادامه امپراطوری روم و حتی مدت‌ها پس از آن زبان دنیای متمدن بشمار میرفت و در طول قرون وسطی زبان رسمی بین‌المللی بود و امروز هم زبان کلیسای کاتولیک میباشد . زبان لاتین سرچشمه زبان دانش و سیاست و قانون است و هنوز هم هر زمان که دانشمندان و قانونگذاران برای معنایی تازه بکلمه مخصوص نیازمند میشوند بزبان لاتین متوسل میگردند لاتین يك زبان قابل اتساع و مستعدیست و در عصر خود لایق ترین زبان قابل انتشار و زبان علم و دانش بوده است و لکن این زبان بمرور زمان از میان رفت و زبان فرانسه جانشین آن شده در قرن گذشته باوج اشتهار رسید و زبان سیاسی و علمی و فلسفی و ادبی جهان متمدن گشت و تا قبل از جنگ بین‌الملل اول غالباً معاهدات بین دول بزبان فرانسه نوشته میشد پس از جنگ جهانی اول زبان انگلیسی بحملل مختلفه رقیب زبان فرانسه گردید و از لحاظ بین‌المللی بموازات

آن اهمیت و رسمیت یافت و بالاخره بر آن غالب آمده زبان سیاسی و تقریباً عمومی و بین‌المللی گردید . علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه بر طبق ماده ۱۱۱ منشور ملل متحد بزبانهای روسی و چینی و اسپانیولی هم رسمیت داده شده است اما باید توجه داشت که در دنیا امروز تحمیل يك زبان بر ملل سایر بوسیله اعمال قدرت سیاسی و اقتصادی و یا نظامی مشکل جامعه کل بشری را از این لحاظ حل نمیکند بلکه بهترین طریق آنست که بر وفق تمالیم مبارک عموم ملل عالم متفقاً يك زبان از زبانهای موجوده را انتخاب و یا سانی جدید اختراع نموده و آنرا در تمام نقاط و اقالیم جهان تصمصیم دهند .

اینک به بحث راجع به زبانهای بین‌المللی میپردازیم .

میتوان گفت که تاکنون در حدود دو بیست طریقه برای زبان بین‌المللی وضع و پیشنهاد شده است و لکن از میان همه آنها دو زبان اشتهار و رواج کلی یافته و طرفدارانی پیدا نموده است یکی زبان " ولاپوک " و دیگری زبان " اسپرانتو " .

زبان ولاپوک - اولین دانشمندی که زبانی بین‌المللی پیشنهاد نمود و با اختراع و ترویج آن همت گماشت يك کشیش آلمانی موسوم به " شلایر " بود که در سال ۱۸۷۶ زبان

آهنگ بدیع

ولیتوانی تکلم مینمودند و غالباً بین آنان نزاع های خونین در میگرفت که سبب اصلی آن - اختلاف زبان و ایجاد سوء تفاهم بین آنان بود . زامنهوف که همواره این اختلافات و نزاعهای رقت آور را مشاهده و علت آنرا دریافته بود هدف زندگانی خود را ایجاد يك زبان آسان و بین المللی قرار داد و از عنفوان جوانی برای وصول باین فکر و هدف کوشش و تلاش نمود و لکن مانند اکثر مخترعین و نوابخ بزرگ جهان مورد اعتراض اطرافیان و حتی مخالفت شدید پدر خود که این فکر را مانع ترقی و آسایش فرزند خویش میدانست قرار گرفت . چنانکه وقتی زامنهوف بجهت تحصیل علم طب عازم مسکو گردید بهنگام مراجعت کتابی را که در مقدمات زبان مورد نظر خود نگاشته بود مفقود یافت و بعد مسا معلوم شد که پدرش آن کتاب را از بین برده بوده است و لکن دکتر زامنهوف با عزمی راسخ فکر و هدف خود را دنبال نمود و توجهی بمخالفت پدر و اطرافیان خویش نمیکرد لذا در سال ۱۸۸۱ که از مسکو مراجعت نمود کمر همت محکم بست تا آرزوی دیرین خود را جامه عمل بپوشاند . در همین موقع ازدواج نمود و اتفاقاً زن او نیز با عقیده اش کاملاً موافق و پیدرزنش که مردی متمول بود به نبوغ خارق العاده دکتر زامنهوف پی برد و متمهد

ولا پوک را اختراع نمود . لفظ ولا پوک از دو ریشه انگلیسی اخذ شده و بمعنی زبانی است که در تمام جهان بدان سخن گفته شود این زبان از السنه مختلفی که رواج بسیار دارند ترکیب شده است يك سوم آن از انگلیسی و بقیه چهارم از لاتین و رومی و يك پنجم از آلمانی الخ اقتباس گردیده است . دستور زبان آن مشابه گرامر انگلیسی ولی آسانتر از آنست . زبان ولا پوک بنوبه خود شهرت و رواج بسیار پیدا کرد چنانکه ده سال پس از اختراع یعنی در سال ۱۸۸۹ میلادی ۲۳ روزنامه بزبان مزبور منتشر میگردد و در حدود ۳۰۰ کلوپ از طرفداران ولا پوک برای ترویج و توسعه آن تلاش و کوشش مینمودند و شماره آشنایان باین زبان تقریباً به یکمليون نفر رسید و در شهر بیروت نیز طرفداران و شاگردانی داشت که آنها تعلیم میدادند . سه کمیسیون بزرگ برای ترمیم و اصلاح این زبان از دانشمندان و اهل زبان تشکیل شد و لکن اختراع و ظهور زبان اسپرانتو در سال ۱۸۸۷ و توسعه و رواج آن زبان ولا پوک را از انتشار و اشتها ریبیانداخت

زبان اسپرانتو در سال ۱۸۵۹ در شهر بیلوستوک که از شهرهای کوچک لهستان است طفلی قدم بعرصه وجود گذاشت که او را لودویس زامنهوف نام نهادند . اهالی این شهر کوپنیک بزبانهای مختلفه آلمانی . روسی . لهستانی

آهننگ بدیع

۱۹۱۷ وفات دکتر زامنهوف در ورشو اتفاق افتاد و لکن زحمات و خدماتی که او برای آسایش و رفاه عموم اهل عالم انجام داده بود فراموش نشده و نتیجه زحمات او یعنی زبان اسپرانتو باقی و برقرار مانده روز بروز توسعه و رواج بیشتری مییافت چنانکه بعد از خاتمه جنگ جهانی اول نیز کنفرانسهای بزرگ مجدداً برپا شد که مهمترین آنها اجتماعی بود که در سال ۱۹۲۳ در نورمبرگ آلمان بوجود آمد و قریب ۵۰۰۰ نفر در آن شرکت جسته بودند بطور خلاصه از سال ۱۹۰۵ که اولین کنگره اسپرانتیست ها در فرانسه تشکیل شد تا سال ۱۹۵۰ در حدود ۳۳ کنگره بین المللی از طرفداران این زبان انعقاد یافت علاوه بر تشکیل کنگره ها و کنفرانسهای بین المللی از طرفداران زبان اسپرانتو کتب و رسائل متعدده نیز درباره این زبان منتشر شده و مجلات و روزنامه های مهم جهان در اطراف آن دار سخن میدادند و حتی ایستگاههای رادیو در نقاط مختلفه گیتی اخبار صرت بخش پیشرفت این زبان را پخش مینمودند و بالاخره انجمن های بزرگ فرهنگی و کلاسهای متعدد در جهت تدریس و توسعه این زبان تشکیل و مفتوح گردیدند در این مقام انظار را به ایرات المعارف بریتانیکا را درباره زبان اسپرانتو عیناً نقل مینمائیم.

" اسپرانتویک زبان بیطرفی است یعنی

شد کتاب کوچک زبان دنیائی او را بخن خود بچاپ رساند .

در ژوئیه سال ۱۸۸۷ کتاب مزبور برای — اولین بار بزبان روسی چاپ و منتشر شد و سپس بزبانهای لهستانی . فرانسوی . آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه و طبع گردید . این کتاب کوچک با مضافاً " دکتر اسپرانتو " بود و اسپرانتو در لغت بمعنی آرزومند و امیدوار میباشد کتاب مزبور که شامل ۱۶ قانون از دست ور زبان ویک فهرست و نمونه ای از زبان اسپرانتو بود در مدتی قلیل نسخه های متعددش بهمت دکتر زامنهوف و خانمش برای افراد و شخصیت های بزرگ ممالک و همچنین روزنامه ها و مجلات مهم جهان فرستاده شد و ندایش بگوش خاص و عام رسید . در سال ۱۹۰۵ زبان اسپرانتو باوج شهرت رسید و دریکی از شهرهای فرانسه کنفرانسی با حضور دکتر زامنهوف و جم غفیری از افراد مطلق و نژاد های مختلفه که زبان اسپرانتو را گرفته بودند تشکیل گردید و حاضرین با کف زدنهای ممتد قریب نیمساعت متوالی نسبت بدکتر زامنهوف و زحمات او ابراز احساسات بی شائبه نمودند از آن زمان به بعد عده کثیری از افراد جهان بآموختن این زبان و استفاده از آن پرداخته و تا سال ۱۹۱۴ همه ساله در نقاط مختلفه دنیا کنفرانسهای نظیر کنفرانس مذکور انعقاد مییافت . تا آنکه در سا

آهنگ بدیع

بین‌المللی رادیو بایستگاههای رادیویی جهان توصیه کرد که امواج زبان اسپرانتو و سخن پراگنی بدین زبانرا بپذیرند. در آن سال ۱۹۲۹ ایستگاه رادیو این زبانرا بکار میبردند تا سال ۱۹۲۹ بیست کمیسیون سالانه برای این زبان تشکیل شده بود که از هزارتا چهار هزار نفر عضو در آن شرکت میجستند^۱ انتهای متاسفانه جنگ جهانی دوم مانع بزرگی در راه پیشرفت و توسعه این زبان گردید و لسی نتوانست از اشاعه و رواج آن جلوگیری نماید چنانکه پس از جنگ بین الملل دوم نیز مجامع و کنفرانسهای بین‌المللی راجع باین زبان تشکیل گردید و امروز زبان مذکور نه فقط در ممالک اروپا بلکه تقریباً در تمام نقاط جهان حتی در کشور ژاپن ریشه دوانیده است.

زبان اسپرانتو از ریشه های رائج السنه اروپائی مانند ریشه های لاتینی - یونانی - آلمانی و اسلاوی گرفته شده و مشتقات این ریشه ها بنا بقواعد بسیار ساده و سهلوسی ساخته میشوند.

خوانندگان عزیز - تلا شها و کوششهای که از طرف متفکرین و مصلحین جهان بمنظور برقراری یک خط و زبان بین‌المللی مبذول گردیده و میگرد نموداری از سیر عالم انسانی بسوی هدف عالی و نهائی دیانت مقدس بهائی و نشانه از تأثیرات و اشراقات آئین

متعلق بملت ویا کشوری نیست ولی از زبانهای مختلف دنیا ترکیب شده است. در قواعد صرف و نحو و ترکیب الفاظ کاملاً یک زبان منطقی است و بسیار لطیف و در عین حال ساده و سلیس است و در نیم ساعت میتوان کلیات آنرا آموخت و حفظ کرد در قواعد دستور این زبان استثناء و شواذ وجود ندارد طرز تلفظ و نوشتنش یکسانست^۲ قاموس این زبان بسیار کوچک و مختصر است با وجود اینها یک زبان زیبای ادبی است که قابلیت هرگونه تعبیر و تفسیری دارد تا سال ۱۹۲۹ چهار صد نفر مؤلف و مترجم با این زبان کار میکردند و یکبار هم تورات را با این زبان نوشته اند. بطور کلی ادبیات در این زبان - بسرعت رسوخ کرده است صدها مجله و روزنامه نیز تا آن سال مرتباً با این زبان انتشار مییافت کنگره ملل یاد داشتی درباره این زبان انتشار داد متن این یاد داشت را از روی گزارشاتی که از تمام نقاط جهان درباره رواج و تعلیم این زبان در مدارس رسیده بود تنظیم کرده بودند. اطاق تجارت پاریس و مجلس کونتیننتال لندن در آموزشگاههای بازرگانی خود زبان اسپرانتو را تعلیم میدادند. اطاق تجارت لندن نیز شاگردان را با این زبان امتحان میکرد. در سال ۱۹۲۲ اتحادیه تلگرافی ملل^۳ زبان اسپرانتو را یک زبان رسمی شناخت و تلگراف باین زبان را پذیرفت در سال ۱۹۲۷ اتحادیه

شب از عهد کودکی

آنگاه که گیسوان شب بریناگوار صبحدم ریخته و آوای مرغ سحری طنین انداز میشد رویها بجانب قبله محبوب گرائید و دستها به نیایش پروردگار بلند شد و لبها ستایش آغاز نمود . اولین بار بود که با چنین منظره ای روبرو میشدم و بعد نوزده شب و روز متوالی شاهد حالات و کیفیاتی بودم که عالم کودکانه مرا مسح کرده و سخت مشتاق و مجذوبم ساخته بود . قبل از طلوع فجر آنگاه که هنوز ستارگان محو نشده و دامان افق ناپدید بود مادر بزرگم بیدار میشد ابتدا چراغ لامپها را روشن مینمود و بعد سماور را آتش میکرد بدنبال او سایر افراد فامیل نیز کم کم بیدار میشدند . میرفتند و وضو میگرفتند و برمیگشتند و بگرد کرسی می نشستند و دعای سحر می خواندند . سپس یکی ظرف می آورد و دیگری سفره پهن میکرد و سومی قاشق و چنگال و اغذیه را میچید و چهارمی چای میریخت و من که تمام شب را با امید آن سحرگاه دلپذیر و روح نواز - کودکانه اما عاشق صفت - گذرانده بودم از همان لحظه که مادر بزرگم بر میخواست ، چشمانم باز و عیشم ساز بود . بگذران ساعات را دوستیداشتم اگر لحظه ای دیرتر از موعد از خواب بیدار میشدم از صمیم قلب میگریستم و غم آن سحرگاه استثنائی را که خواب مانده و دیگران بملاحظه آسایشم بیدارم نکرده بودند هنوز در سینه محفوظ میدارم .

هنگام صرف طعام چه شادی و شور و شغفی بر آن محیط مستقر بود . خدا میداند اگر آن و پنیر و سبزی در سفره بود آنطور که بالذات تناول میشد پنداشتی مانده بهشتی است . پدرم میرمجلس ما بود در آن بالا پشت به پشت بالش ها می نشستند با قلبی سرشار از عشق و دلی پرشور پیوسته با حکایات شیرین و کلمات دلنشین جان و روان ما را پرور میداد . طعام که تمام میشد يك يك بنماز و نیاز و دعا و مناجات قیام میکردند . چه حالات روحانی بر آنها میگذشت چه تخنیات عاشقانه ای که از نای آن زنده دلان عارف بر میخواست . چه انقطاع و خلوص و توجهی بهمه دست میداد . با آنکه در آنروزگار بیزار از شش سال از سنین عمر من نمیگذشت چنان محو و مجذوب آن محفل آسمانی میکردیدم که حدی بر آن متصور نیست . خواهر بزرگترم صلاة کبیر میگذازد و بعد تمامی لوح احمد را از حفظ تلاوت میکرد . پدرم صدائی نافذ و آهنگی مردانه داشت با آن صدای

آهنک بدیع

رسا چندین مناجات میخواند این کیفیات بقدری موثر بود که وقتی بزرگ شدم از حفظ کردن نماز کبیر و وسطی و الواح و مناجاتها و ادعیه برایم بسیار آسان انجام پذیرفت .

این وضع سحر بود افطار هم برای خود تشریفات و آدابی داشت . باز همان نماز و راز و نیاز و همان توجه و تبتل و سوز و گداز برقرار بود سفره گسترده میشد صدای غلغل سماور بر میخاست و بخار مطبوعی از آن بهوا صعود میکرد . افطاری که تمام میشد مجلس شب نشینی آغاز میگشت . اغلب در این هنگام سایر افراد خانواده هم بمنزل ما میآمدند از هر دری سخنی میرفت صحبت اغلب دور و بر حوادثی میپرخید که بر افراد سالخورده فامیل گذشته بود مخصوصاً پدرم خاطرات جالب بسیار داشت شاید صدبار داستان آن شبی را که بین راه تفرش و قاهان با پلنگ - مواجه شده و پشت مردانه اش لرزیده بود یا داستان آنروزی را که مفرغین در راه کاشان اورابه خیال خام در میان برف و سرما گمراه گردید و با او بمدد محبوب راه خود را یافته و قبل از رقبا بمحل امن رسیده و بعنوان استقبال از آنها با صدای بلند میخوانده است " آنکه دائم هوس سوختن ما میکند کاش میآمد و از دور تماشا میکرد " و داستانهای دیگری از این قبیل را از زبان او شنیدم و باز هم مشتاقانه میخواستم که همان حکایات را بازگویم و او مشفقانه حدیث از نو آغاز میکرد .

سالها از پس هم آمد وطنی شد میر آن مجلس و مادر بزرگ آن محفل هر دو بملکوت باقی شتافتند خواهرها بخانه شوهر رفتند و آن کودک خردسال رشید گشت و تشکیل خانواده داد و خود صاحب اولاد شد . یکشب قبل از طلوع فجر آنگاه که ستارگان هنوز محو نشده بودند از خواب بیدار شد تا روزه بگیرد - چشمش بپیشمان زیبای کود که افتاد که کنجکوانه اعمال او را تعقیب میکرد بناگاه تمام آن حکایات شور انگیز سالهای کودکی بیادش افتاد دلش از شوق طپید و دیدگانش از اشک پر شد باستان محبوبی که نعمت ایمان را بآن خانواده ارزانی داشته بود بشکر گزار ایستاد - دید که عشق جمال محبوب و ابراعت از او امر حضرت مقصود از پدر و پاد و از او به سر راه یافته است دانست که جوهر عشق و ایمان در وجود این خانواده مخمر شده و تا ابد - پایدار خواهد ماند . بعد لبخند رضایت زد و بقیافه طفل خود نگاه کرد او هم لب شیرین بخنده بگشوده و گوئی این معانی لطیفه را با مذاق کودکانه خود دریافته بود .

صصصصصصصصصصصصصصصصص

صصصصصصصصصصصص

نوربخش عالم

مسمودی بروجرودی

فردوس را در طلبی آن ری زیبا را نگر
ور نرگست باشد هوس آن چشم شهلا را نگر
روابرو مژگان آن نساوک زن مارا نگر
آن جعد مشک آسا و آن زلف چلیپارا نگر
روغمه خونریز آن آشوب جلنها را نگر
آنکس که مجنون میکند صد همچولیلی را نگر
مصلوب در هر گوشه صد چون مسیحا را نگر
بگشای چشم عبرت و این سوز و غوغارا نگر
رو در خرابات مغان آن زنده دلها را نگر
از این تظاهر در گذر رو ملک معنا را نگر
ای بنده دنیای دون اوضاع دنیا را نگر
آن نوربخش عالم و این باد پیمارا نگر

خواهی قیامت بنگری آن قد و بالا را نگر
زان لب طلب کن بوسه گراب کوشر باید ت
خواهی کمان تهمتن یا تیر آرش بنگری
گر ظلمت اسکندر ت باشد بعالم آرزو
گرفته چنگیز را خواهی مجسم بنگری
لیلی ز عشق روی خود گر قیس را مجنون کند
در راه عشق یار ما اندر سر راه فنا
از نمره مستان او عالم پراز آشوب شد
ای زاهد پیمان گسل ایمرده خوار مرده دل
جز جهل و مکر و وسوسه نبود چو در این مدرسه
چرخ وزمین تبدیل شد مکر و فسون تعطیل شد
خورشید با انوار او خفاش در انگار او

مسمودی دلخون برو خواهان وصل آن صنم
آن برتر از شمس فلک و این کم زحرها را نگر

مناسبات روح و بدن

بعد از بیان معنی "روح" یا "نفس" در قسمت اول این سلسله از مقالات بجای آن است که بعضی از مسائل که درباره روح طرح شده است اشاره ای کنیم و کوششها را که در حل آنها بکار رفته است باجمال یاد آور شویم . و مقدمه میگوئیم که در این باب دو کلمه "روح" و "نفس" همیشه مترادف آمده اند و از تفاوتی که بعضی از اصحاب نظر در میان آنها گذاشته اند موقتا و بر سبیل مسامحه صرف نظر شده است .

یکی از این مسائل چگونگی ارتباط نفس و بدن است :

شک نیست که روح با بدن مرتبط است احوالی که نفس را دست میدهد آثار آنها در بدن پدید می آید ؛ چون خشم بگیریم رنگ چهره ما برافروخته میشود چون ترس بر روح ما عارض شود رنگ ما بزردی میگراید چون فرح و انبساطی در روح پدید آید عضلات بدن نیز انبساط مییابد لب بخنده باز میشود حالت چشم تخفیر مییابد گره ابرو و چین پیشانی گشوده میشود ترشح غد در بفروانی

دست میدهد و قس علی هذا فکر کنید میکنیم و تصمیمی که بدن بال آن میگیریم باحرکاتی در بدن تعبیر میشود لزوم تفقد از دوست بیمار خود را در فکر خود بشبوت میرسانیم قامت ما راست میشود پاهای ما بجنبش درمیآید و راه خانه آن دوست را در پیش میگیرد مطلبی علمی را بنظر میآوریم تا برای حل آن کوشش کنیم دست ما تکان میخورد قلم بدست میگیرد و الفاظی را که مبین افکار ما است بر کاغذ منقوش میکند روح ما عظمت خلقت و قدرت خالق را در خود تصور میسازد از این تصور حال بهت و خشیت باو دست میدهد . آثار این حالت در بدن ظاهر میساید حتی ظهور آن گاهی چنان شدید است که اعضاء بلرزش می افتند و موها بر تن راست می ایستند و دست و پایی اختیار وضع عادی خود را ترک میگویند .

اگر تن و روان دو چیز است که جدا از یکدیگر است این ارتباط چگونه صورت پذیر میشود ؟ مادیون وجود همین ارتباط را در بین حالات روانی و حرکات بدنی دلیل بر صحت طریقت خود میگیرند . آنان میگویند "نفس"

آهنگ بدیع

میبخشد آیا این نعمه شواهد کافی برای این نیست که بتوان گفت که احوال روحی دارای مبداء^۶ بدنی است و روح بعنوان عامل مستقل غیر جسمانی وجود ندارد ؟

آنان که قائل باصالت ماده نیستند در جواب اینان میگویند که اولاً از وجود ارتباط در میان دو چیز نمیتوان حکم بوحدت آن دو کرد چه بسا از امور مادی که با یکدیگر ارتباط دارد بی آنکه هر دو یک چیز باشد : لباسی را بمیخی میآویزیم در این حال این هر دو — بهممدیگر مربوط میشود وضع میخ در وضع قرار گرفتن لباس تأثیر میکند اگر میخ سست شود یا بیفتد جامه نیز بر جای خود سست میشود یا بزمین می افتد اگر میخ تیز باشد ممکن است در جامه جای بگیرد یا آنرا سوراخ کند و قس علی هذا ولیکن با وجود همه این روابط نمیتوان میخ را با جامه یکی دانست . همچنین دو امری که یکی از آن دو معنوی و دیگری مادی باشد در همدیگر اثر میگذارد بی آنکه هر دو را بتوان یک چیز دانست . سخاوت شخص موجب میشود که مقداری از پول او از نزد خود وی به نزد شخص دیگری منتقل شود بی آنکه سخاوت و پول هر دو یک چیز باشد . پس از این که احوال روح با احوال بدن مرتبط است نمیتوان نتیجه گرفت که روح و بدن هر دو یکی است بلکه ممکن است

شیئی غیر مادی نیست و حالات روحی نتایجی است که از حرکات بعضی از جبهات بدنی و افعال و انفعالات عناصری که در ترکیب بدن بکار رفته است حاصل میشود . فکر حاصله از فعالیت مغز و سلسله اعصاب است و بقول یکی از اینان که " وگت" (۱) فیلسوف آلمانی است نسبت فکر بمغز مثل نسبت صفرا بکبد یا مثل نسبت ادرار بکلیتین است . شواهد اثبات این مدعا آنکه : در سلسله حیوانات بنسبت تکامل سلسله اعصاب و مراکز عصبی فعالیت روحی نیز گامتر میشود یعنی هر جانوری که ساختمان چهار عصبی او گامتر باشد قوای روحی او نیز عالی تر است و بالعکس اشیائی که موجب تسکین و تخدیر سلسله اعصاب باشد یا صدمه و لطمه ای بآن — برساند یا در ترشح بعضی از غذای اشتلالی پدید آورد قوای روحی را نیز تخدیر میکنند یا مصدوم و مختل میسازد چون مغز آسیب بیند اندیشه کار نمیکند چون دوی مندری ببدن تزریق شود روح از فعالیت باز میماند چون ماده ای که معرک یا مخل ترشح بعضی از غذا باشد بر بدن وارد آید تأثیر محسوس در فعالیت روانی و حتی در فعالیت عقلی می کند معالجاتی که بوساطه مادی در اعصاب و غذا بعمل میآید امران روانی را بهبود

آهنگ بدیع

درست دانست . البته در بعضی از احیان چنان پیش می‌آید که ضعف روحی با ضعف بدنی مقارن باشد ولیکن چون همیشه چنین نیست مقارنه آن دورا در این احیان نمیتوان دلیل بروحدت آن دو گرفت . در این احیان و همچنین در مواردی که تخدیر بدن بوسیله بعضی از مواد یا صدمه وارده بر مغز موجب اختلال اعمال عقلی میشود باید گفت که چون بدن آلتی برای ظهور اعمال روح است اختلال آلت موجب اختلال در ظهور این اعمال میشود نه این که اختلال در مبداء آنها وارد سازد مثلا جنگ آوری که شمشیر میزند و شجاعت و قوت خود را با شمشیر ظاهر میسازد هرگاه شمشیرش بشکند یا کند شود خواه ناخواه - دلاوری او به صورتی ناقص ظاهر میشود یا ظهور دلاوری او مطلقا امکان ناپذیر میگردد بدون اینکه باین دلیل بتوان دلاوری را بسا شمشیر يك پیزندانست و شاهد بر این آنکه هرگاه بدست چنین جنگ آوری شمشیری مناسب و سالم بدهند باز همان دلاوری که داشت بهمان ترتیب ظاهر میشود بی آنکه اختلال مشهود در آن بجای مانده باشد - همین مثال بر روح و بدن قابل تطبیق است یعنی آنکه که اختلال مغز موجب اختلال در ظهور عقل شده است بمحزرا اینکه رفع اختلال از آن شود یعنی مغزی سالم دوباره در اختیار

که دو چیز جداگانه باشد که با یکدیگر علاقه و ارتباط دارد . ثانیاً آنچه در باب روابط (نفس و بدن) مشهود است بیشتر مربوط به احوال روح حیوانی یعنی احوال مشترك در بین حیوان و انسان است از قبیل تمایلات و احساسات و حرکات ارادی و غیره و روح حیوانی چنانکه در قسمت اول این مقالات گفته شد جدا از بدن و ترکیب بدنی نیست - بلکه بقول بعضی از حکما حاصل آن و نتیجه آن بقول بعضی دیگر غایت آن یا صورت آن است و بهر تعبیر در حیوان روح و بسدن هر دو جزء مجموعه آلی وجود است و مستقل از یکدیگر نیست . اما روح انسانی که وجه تمیز آن و کار اصلی آن کشف مجهولات یا فکر عقلی استدلالی است و همین روح است که مجرد از بدن و باقی بعد از فناء بدن است چنین اتحادی با بدن ندارد . چنانکه چه بسا ممکن است که بدن بضعف و ذبول گراید و قوای بدنی انحطاط پذیرد و فعالیت عقلی انسان همچنان پای برجای باشد حتی آثار عقل از انسان در سنینی که بدن رو بضعف رفته یا تکامل آن توقف یافته است بیشتر و بهتر بظهور میرسد مثلا پسر از چهل سالگی که بدن رو بضعف میرود باید متناسب آن عقل و فکر انسان نیز رو بناتوانی سیر کند و حال آنکه نه تنها چنین نیست بلکه عکس آنرا بیشتر می توان

آهنگ بدیع

عقل قرار گیرد همان اعمال بهمان درجه از
گمال بظهور میرسد بی آنکه آثار اختلال در
آن باقی باشد. پس بحکم این صاحب نظران
که متألهون یا روحپون نامیده میشوند —
مناسبت روح با بدن از نوع ارتباطی است
که مبداء فعل با وسیله فعل دارد و دلایل
مادیین نیز فقط تا همین درجه مطلب را
ثابت میکند بی آنکه موفق باثبات وحدت
روح و بدن باشد.

روح مبداء مستقل است که فقط ارتباطی

از نوع تعلق ببدن انسان پیدا میکند. آئینه‌ای

را بنظر آورید که در مقابل نور خورشید قرار گیرد

البته نور از خورشید جدا نمیشود تا در آئینه جای

گیرد بلکه متناسب استعدادی که در آئینه است

پرتوی از خورشید بر آن می افتد و بوضعی

مخصوص و محدود که متناسباً ساختمان معین

و معلوم آن آئینه است جلوه گر میشود و بیرون

آئینه می آید در هیچکدام از این مراحل —

خورشید را در آئینه حلولی و نزولی پدید

نمی آید و وحدتی در بین آن دو رخ نمیگشاید

به همین ترتیب قوه مصنوعیه ای که بطور عام و کلی

در سراسر جهان جاری و ساری است و حافظ

نظام عالم و مبداء روابط ضروریه در بین اجزاء

کائنات است در ترکیب وجود انسانی انعکاسی

می یابد و در واقع این ترکیب را محلی برای تجلی

خود بر میگزیند و چون قبول این تجلی بر حسب

استعدادی است که وجود معین هر فردی از

در این جا ممکن است این سؤال بخاطر

آید که بفرز این که تصدیق کنیم که بدن

آلتی برای روح است روح این آلت را چگونه

بکار میگیرد؟ چه بکار گرفتن چیزی مستلزم —

تماس و تلاقی با آن چیز است و تلاقی روح

که شیئی غیر مادی است با بدن که شیئی

جسمانی است چگونه حاصل تواند شد؟ —

باید گفت که این شبهه ناشی از این تصور

باطل است که روح را شیئی بدانیم که در

بدن داخل شده یا با آن تماس یافته یا در

مجموعه محدودی که وجود هر نفسی محصور

بآن میشود جای گرفته است و همین تصور

است که طبیب جراحی را که در سلك مادیین

بوده با آنجا گشانیده است که بگوید: "تسا

زمانی که بیشتر جراحی من در ضمن تشریح

بدن با شیئی بنام روح تماس نیابد بوجود

روح اعتقاد نمیابم" و حال آنکه "روح انسانی"

نامه ای از جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی

نامه ذیل را جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی علیه
رضوان الله چندی پس از مراجعت حضرت مولی الوری از -
سفر غرب از ارض اقدس خطاب به جناب حاجی شاه خلیل الله
رحمانی فارانی علیه غفران الله مرقوم فرموده اند .
اصل این نامه را فرزند ایشان جناب ابراهیم رحمانی
برای (آهنگ بدیع) ارسال داشته اند که بدینوسیله از
ایشان تشکر مینمائیم .

۲۴۱

بسم الله الاقدس الاعز المحبوب

هویتی و حقیقتی لكم الفداء الحمد لله نزدیک چهار ماه است آفتاب
عبودیت مرکز میثاق از اراضی مقدسه و بقعه مبارکه نور بخش نفس و آفاق است و آفاق
یعنی جوهر و دانشمندان مشهور و مسلمان به از هر مملکت و دولت و مذهب و ملت و نژاد و شیفته

بسم الله الاقدس الاعز المحبوب

هویتی و حقیقتی لكم الفداء الحمد لله نزدیک چهار ماه است آفتاب
عبودیت مرکز میثاق از اراضی مقدسه و بقعه مبارکه نور بخش نفس و آفاق

آهنگ بدیع

است و آفاق و انفس را یعنی جواهر و دانشمندان مشهور مسلمشان را از هر مملکت و دولت و مذهب و ملت فریفته و شیفته و سوخته و افروخته نمود هو بشأنی مجالات و جراید ستایش و محامد تعالیم و حسن بیان و وحدانیت و فردانیت حضرت عبدالبهاء یکتای بیهمتای بنده پاسبان استان اقدس را بدلائل حسی شهودی نوشته و ثابت کرده اند که اولاً فانیان از قوت استدلالات عقلی شهودیشان عاجزیم و ثانیاً این مقدار ستایش را با عقیده صمیمی ثابت خود که بنده جمال قدمند مخالف میدانیم و ثالثاً نشر این قبیل ستایشها را اذن خواندن و ترجمه کردن و منتشر نمودن نفرمودند بلکه نهی آنید فرمودند - رابعاً يك و ده نیست که یکنفر و دو نفر از عهده ترجمه برآیند اما چنانکه سنت سنیه لن تتخیر ولن تتبدل مبارک است احدی را مکدر نمیفرمایند و نفهمیده ای تا حال باحدی نفرموده اند و کمال عنایت و الطاف را هم در حقش میفرمایند که پیش آید و افسرده نشود و ضمناً هم میفرمایند کینونیتیم بندگی است و ذاتیتیم چاکری مسجد الاقصایم خدمتستان است و جنة المأوايم جا روب کشی عتبه مقدسه است رقیمه شریفه دهم صفر زیارت شد و مندرجاتش روح بخشید و عجب است بشارت و ورود مبارک ترسیده بوده است اولاً باکثر نقاط ورودشان را تلخراقا بشارت فرمودند ثانیاً طائفین بهمه جا مزده دادند .

باری از قبل کل کل را سلام و ثنا و تحیت عرض میکند و کل موفقیست آن حضرات طهرا را از صمیم قلب بتضرع ساثلند و بحنایات و الطاف حضرت مولی الوری عبدالبهاء روح المخلصین و المقربین لتراب اقدام خدام بابیه المقدس فدا بشارت میفرمایند فانی هم خود را قابل طفیلی و لائق فضیلی بودن در ساحت اولیاء الله نمیداند و مسرور و شاکر است که اسمش را میدانند

وعلیکم البهائم الالبهر حیدر علی

یادگار دو شهید محید

پریحان کتیر عزیز الهی



شهر قدیمی نی ریز بواسطه حوادث شگفت انگیزی که از ابتدای طلوع شمس حقیقت از افق فارس در آنجا بوقوع پیوسته در تاریخ امر بیش از سایر شهرها مصروفیت یافته و هریک از دوستان عزیز که بزیارت بیت مبارک شیراز ناآل میگردند آرزو دارند سفری نیز به نی ریز رفته در و دیوار آن شهر روح افزارا که حضرت بهاء الله "قریه مبارکه" نامیده اند و در هر گوشه و کنار آن جانهای پاک در راه جانان فداگشته و خاک آن سرزمین بخون شهداء فی سبیل الله مخمر شده زیارت نمایند. اما کن تاریخی این شهر منور دیدنی است. مسجد جمعه محل حضرت وحید فرید در بالای منبر آن که معروف به منبر

اما حسن بوده مردم را موعظه و دعوت بامر جدید نموده و جمعی ایمان آورده اند. خانه محل سکونت آنجناب قلعه خواجه محید. اجتماع اصحاب و اطافی که جناب وحید در ایام محاصره در آن بسر برده اند. محل شهادت و دفن جمعی از اصحاب در اطراف قلعه درخت چناری که خیمه جناب وحید در کنار آن افراشته شده محل دفن جسد مطهر جناب وحید و بالاخره محل دفن شهدای

هیجده گانه که در موقع استقرار عرش مطهر حضرت اعلی در کوه کرمل بشهادت رسیده اند سپس در کوهستانهای جنوبی آنشهر که از تاکهای انگور و درختان انجیر پوشیده شده و مناظر زیبایی بوجود آورده هنوز باقیمانده سنگرهای اصحاب که در واقعه ثانی نی ریز در پناه شکافها و صخره ها و ارتفاعات -

آهنگ بدیع

فی حول الوحید شرمه من قریه التی
بارکها الله بین القری ویرفع اسمها فی
الواح الذی کان ام الكتاب عنه مفصلاً ونیز
میفرمایند: "یا احباء الله من اهل تلك القریه
فاعتصموا بحبل الله ثم اشکروه بما فضلکم
بالحق برحمة من الله وکنتم علی مناهج
القدس مستقیماً . ان یا اشجار القریه فاسجدوا
الله بارئکم بما هبت علیکم نسائم الربیع فی
فضل عز احدیاً و یا ارض تلك القریه فاشکری
بما بدلك الله یوم القيمة و اشرق علیک انوار
الروح عن افق نور عزیبا وان یا هواء فانکر الله
فیما صفک عن غبار النفس والهوی و ہمشک
بالحق و جعلک علی نفسه معروضاً .
هر مسافری از دوستان که باین قریه
مبارک وارد میشود نفوس مخلصه فی رماقات
مینماید که همه از اخلاف آن اسلاف و
بازماندگان شهدا و جانبازان آن ایام
میباشند که مانند اجداد خود بشدائد و
زحمات بیشمار دچار گشته و در همه حال به
پدران نامدار خود تاسی کرده و در راه حفظ
و حمایت ایمان و دفاع از امر حضرت رحمان تا
پای جان استقامت نموده و فی الحقیقه قولا
و عملاً باثبات رسانیده اند که فرزندان واقعی
همان نفوس مقدسه میباشند که قلم اعلی در
همین لوح مبارک چنین توصیف فرموده است:
"فهنيئاً لکم یا اهل القریه بما صبرتم

صعباً الصبور تحت قیادت مرد نامدار جناب
علی سردار در مقابل سپاهیان ظلم و بیداد
حکام و عمال دوره استبداد از خود دفاع
مینمودند هنوز دیده میشود و مدفون جناب
علی سردار در کنار سنگر او در دامنه کوه
مشخص و معلوم است کمتر شهری است که
دارای اینهمه مقامات و اماکن تاریخی و
سرگذشت عجیب باشد .

شرح وقایع دوره حضرت وحید و ایمان
و وفاداری جمعی از اهالی این شهر و بعد
هجوم اعدا و شهادت آنجناب را حضرت
بهاء الله در سوره الصبر که اولین آیات
نازله از قلم مبارک در روز اول عید سمید
رضوان در باغ نجیبیه بغداد است مشروحا
بیان فرموده اند لوح مبارک مزبور بافتخار -
جناب خواجه محمد تقی نیری که خود
از اصحاب حضرت وحید بوده نازل گشته .
ایشان یکی از اصحاب دوره جانبازی جناب
وحید بود که در تمام حوادث حاضر و از
بقیه السیف آن محرکه محسوب بود که دچار
مصائب و بلاهای بیشمار شده و عاقبت از تمام
آن مهالك جان بدر برده و در ایام بغداد
به فیض تشریف بحضور حضرت بهاء الله نائل
و این لوح مبارک بافتخار او نازل شده و به
ایوب ملقب گردیده است . در آن لوح مبارک
میفرمایند: "وقضى الايام الى ان اجمعت

آهنگ بدیع

فی زمن الله بالباساء والضراء و بما سمعتم
 بآذانکم وشهدتم بمیونکم فسوف یجزیکم
 احسن الجزاء ویعطیکم ما ترضی به انفسکم و
 یشیت اسمائکم فی کتاب قدس مکنونا".
 از جمله آن مخلصین و بازماندگان -
 شهداء متقدمین خانواده "شهید پور" است
 وازین خانواده "پریجان شهید پور" که
 یادگار و شهید مجید میباشد. این مادر
 فرشته خصال بال و پر محبت خود را بر سر و
 روی هر تازه واردی میگستراند. با دست
 های نحیف خود او را در آغوش خود جای
 داده و پهراندازه که قوه داشته باشد می
 فشارد - می بوید - می بوسد - و بی دربی
 خوش آمد میگوید. خود او جان تازه مییابد
 و به تازه وارد روح میبخشد. شرح احوال
 این شیرزن روحانی که اکنون متجاوز از هشتاد
 سال از عمرش میگذرد مملو از حوادث است.
 او پدر خود ملا محمد علی و همسر خویش
 ملاحسن را در قلعه شیخ زکریا در سال ۱۳۲۷
 قمری بخون آغشته دیده است و زمانی یگانه
 پسر خود آقا عبدالسمیع را در دست اشرا
 زیر زنجیر و ضرب و شکنجه مشاهده کرده است
 همسر ایشان ملاحسن پسر عم او بود که از
 ایام طفولیت با هم در یک خانه نشو و نما نموده
 بودند که بعدا بعد از و اج او درآمد و مدت
 شش سال زندگی آنها با کمال روح و ریحان

گذشته وازین ازدواج یک دختر و یک پسر
 بوجود آمد. ملاحسن جوانی زیبا و خوش
 سیما و در کمال روحانیت و انجذاب بود و پیشفل
 بزازی مشغول بوده و زندگانی مرفه و آسودگی
 داشته اند و منزل و ماوای آنها محل رفت
 و آمد احبا بوده است.
 تا در ایام نوروز سال ۱۳۲۷ قمری نی ریز
 بواسطه هجوم شیخ زکریا که از عمالی سید
 عبدالحسین لاری بود بلا انگیز شد و خون
 جمعی بیگناه ب خاک ریخته شد و اموالشان
 به یغما رفت. این شخص شهر را غارت
 نموده و همراهان غارتگر خود را بدستگیر
 کردن بهاءیان مامور داشت که اجرا خروی
 نیز نصیبش گردد در این حادثه هجده نفر
 از بهائیان مظلوم بچنگال آن قوم پر لوم مبتلا
 گشته و باشد قساوت بشهادت رسیدند.
 اولین کسیکه از دستگیر شدگان نزد شیخ
 برده و او را تکلیف به لعن و تبری نمودند
 ملاحسن مزبور بود. این جوان با نهایت
 شهامت استقامت نمود و حتی یکی از تجار
 حاضر شد مبلخی به شیخ بدهد که او را رها
 نماید مشروط بر اینکه از دین خود تبری کند
 آنجوان برومند همچنان پایداری نمود و حاضر
 به تبری نگردید عاقبت او را ب ضرب چند گلوله
 از پای در آوردند. سپس ملا محمد علی پدر
 عیال او را نزد شیخ بردند او نیز استقامت

اهنگ بدیع

از ترس غارت منزل خود ما را راه نداد بیرون کرد. بخانه شخرد یگر رو آوردیم او هم ما را در منزل خود پناه نداد. بهر جا که با چشم گریان و دل سوزان ملتجی شدیم راه ندادند. ناگزیر بخان قریه رفته خودمان را در میان مزرعه جوکاری پنهان نمودیم. ناگهان صاحب مزرعه پیدا شد و فریاد برآورد که مزرعه من بواسطه شماها پایمال و از میان خواهد رفت. از آنجا نیز مایوس گردیده خود را بپای دیوار باغی رسانده در کنار دیوار با حالی زار و پریشان نشسته در انتظار هر پیش آمد ناگواری بودیم. روز با آخر رسیده بود و قرص نورانی خورشید بزرگی گرائیده و گوئی از مشاهده خونریزی آن جمع خونخوار هراسان شده و میخواهد هر چه زودتر چهره خود را در افق جهان پنهان سازد. غروب آفتاب نزدیکتر میشد و پرده سیاه شب میخواست بر اعمال ننگین آن گروه ستمگر کشیده شود. هوا تاریک شده و دیگر کسی آن دو موجود ضعیف مظلوم و بی پناه را نمیدید فقط دیده نهان بین - خدای مهربان بود که نگران آن مصیبت زدگان بود. آیا دیگر چشم آفتاب جهان تاب از این صحنه های غم انگیز نخواهد دید. افسوس و صد هزار افسوس بشری که ممکن است در اثر پیروی از حق و حقیقت بصورت و مثال الهی درآید بواسطه تعصبات جاهلیه و

کرده خود شیخ وسید را مستحق لعن دانست لذا بشدیدترین وضعی بشهادت رسید.

این خانم حکایت مینماید که چون هیاهو و جنجال در شهر بلند شد و خبر قتل اعیان منتشر گردید سراسیمه از خانه بیرون دویدم بمحض خروج از خانه یکی از همسایگان با گریه و ناله گفت ملا محمد علی و ملاحسن را برده کشتند و طفل خود را که یکی ششماهه و دیگری پنجساله بود در منزل گذاشته با مادرم یکسر بسوی محله بازار که جایگاه شیخ و قتلگاه شهدا بود شتافتیم دیدیم هیاهو و جنجال عظیمی برپاست و متجاوز از پنجهزار نفر مردم ازدحام نموده جسدی را لغت و عریان ریسمان بپایش بسته کشان کشان می آورند با حالتی آشفته و هراسان بی اختیار جمعیت را پس و پیش کرده نزدیک شدم دیدم پدرم ملا محمد علی است. دیگر معلوم است چه حالی دست داد گروهی از همسایگان و دوستان رسیده بمادرم گفتند ای مادر مگر از جانت سیر شده بی که خود بیای خویش بسوی مرک میروی دخترت را بردار و تا چشمت کار میکند فرار کن مبادا بمنزل بروید که این گروه قصد جان شما را دارند ناچار مادرم مرا برداشته بخانه یکی از همسایگان پناه بردیم ولی چون صاحبخانه ما را دید

آهنگ بدیع

حضرت اعلی در جبل کرم بدست مبارک
حضرت عبدالبها است قرار یافت لذا در الواح
متمدد شهادت آن نفوس مقدسه را مذکور
و آنها را قربانیان استقرار عرش مطهر نامیدند
تا همانطور که در هنگام طلوع نیر اعظم از
افق فارس هجده نفر از مخلصین مقدم بر
سایرین از آنحضرت استقبال نموده و بسبقت
در ایمان افتخار یافتند این وجودات نورانیه
نیز در آن زمان آن هیکل اطهر را بدرقه
نموده بافتخار قربانی استقرار عرش مبارکش نائل
آمدند . در الواح متمدد عظمت مقام آنان
مذکور و زیارت نامه مخصوص از قلم مبارک در
حق آنان صادر گشت و الی الابد نام مبارکش
و فداکاریشان در تاریخ جهان مغلد و باقی
ماند .

در لوحی که خطاب به منتسبین جناب
ملا محمد علی شهید نازل گردیده چنین
میفرمایند : " شهدای سبیل بها نجسوم
ساطعه افق سما هستند بظاهر هر چند قتیل
خنجر ظلم و عدوان گشتند ولی بحقیقت در
قبیل ملاء اعلی محشور شدند هر خون که
در سبیل حضرت بیچون خاک را گلگون نماید
سبب زندگانی و شادمانی در دو جهان گردد
و از برای شما مدار افتخار است قدر این
موهبت بدانید و بشکرانه زبان گشائید " .
خلاصه آن دوزن ستم دیده نالان و کریان

تبعیت از تقالید خانمانسوز خود را در رذیف
گرگ خونخوار بلکه پست تر قرار داده و مناظر
دلخراش را باز هم بوجود میآورد .

روز دیگر باز جام بلا بدور آمد و چند
نفر دیگر از مظلومین آنرا مالا مال سرکشیده
و بانگ نوشانوش از گروبیان ملاء اعلی بلند
گردید در همان لحظات از ایام نوروز سال
۱۳۲۷ قمری جمعی از احبای نیریز بقیض
دیدار مولای عزیز خود حضرت عبدالبها
مشرف بودند و چشمهای خود را بوجه منیر
آن سرور ابرار دوخته و گوش هوش را ببیانات
مبارکه اش متوجه ساخته بودند ناگهان هیکل
مبارک رویدریا نموده با حالتی بسیار تأثر
آور فرمودند : طوفان است . طوفان شدید
است . زائرین بدریا نگرسته دیدند آرام
است بحد با هیمنه و سطوت عجیبی فرمودند
بلا خوب است . حاضرین نمیدانستند چه
واقع شده همینقدر از بیانات مبارک درك
نمودند که حادثه ئی رخ داده و یا در شرف
وقوع است . تا بعد که مراجعت با پیران کردند
دانستند وقایع جانگداز نیریز درست در
همان ایامی واقع شده که حضرت عبدالبها
آن بیانات حضوری را فرموده بودند در آن
چند روز جانسوز هجده نفر از مظلومیسن
هریک بوضعی فجیع بشهادت رسیدند و این
واقعه هنگامی رخ داد که صندوق عرش مطهر

آهنسنگ بدیع

یخماگرازی ریز بیرون رفت ولی آثار شقاوت
 وسفاکی او الی الابد در این شهر باقی ماند .
 نوک خاری نیست کز خون شهیدان رنگ نیست
 آفتی بود این شکار افکن کزین صحرا گذشت
 همینکه سر و صدا خوابید و توانستند از آن خانه
 بیرون بیایند بمنزل خود رو آورده خانه و
 کاشانه خراب و ویران بود و از اسباب و اثاثیه
 چیزی باقی نمانده بود اجساد شهدا هر یک
 را در محلی با لباس دفن نموده بودند جسد
 ملا حسن همسرش را بعد از شانزده روز کفن
 و دفن نموده و جسد نیم سوخته و از هملا شسته
 ملا محمد علی پدر خود را که در محل دیگر
 دفن کرده بودند پس از مدتی پیدا نموده -
 استخوانها را جمع کرده در کیسه ئی نهاده
 جنب مرقد شوهر با وفایش ملاحسن بخاک
 سپردند تا عاقبت در سال ۱۳۱۸ شمسی
 اجساد شهدا حسب الامر محفل مقدس روحانی
 ملی ایران از اماکن سابق انتقال یافته و در
 محلی نزدیک بقلمه خواجه که مقتل و مدفن
 جمعی از شهدای اولیه امر مییاشد در کنار
 یکدیگر استقرار یافتند .

عاقبت دخترش فاطمه نورا* در سن بیست
 و پنج سالگی بدرود جهان گفت و بملا* اعلی
 شتافت و پسرش که در واقعه شهادت پدر
 چهار ماهه بود در ظل تربیت مادر بسن رشد
 و بلوغ رسیده و حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک

گرسنه و عطشان تا دو ساعت از شب گذشته
 در پای دیوار باغ بسر برده و از دور صدای
 هیاهوی جمعیت که زمین را بلرزه در آورده
 بود هر دم شنیده میشد و معلوم گردید این
 همه و آشوب جمعیت برای آن بوده که
 جسد عریان ملا محمد علی را در محله
 سوخته بدرختی معلق آویخته و همیزم جمع
 نموده و با آتش بیداد جسد آن مظلوم را
 سوزانیده متلاشی نمودند تا یکی دو نفر
 از همسایگان دل بحال آن دو زن مظلوم
 سوخته ب جستجوی آنها برآمدند . مردی
 از آنها خود را بدیوار باغ رسانیده نزدیک
 آمد آنها متوحش شدند و تصور کردند که
 او نیز مانند دیگران میخواهد آنها را از
 آنجا هم بیرون نماید صدا کرده گفت -
 نترسید خودی هستم غریبه نیست و آنها را
 دلداری داده گفت اگر گریه و بیقراری نمی
 کنید ممکن است در منزل من بسر برید که
 دشمنان نفهمند تا صبح به بینم چه پیش
 میاید بهر نحوی بود آنشب را در منزل
 او بسر بردند و پسر خرد سالش را که تا
 آنوقت نمیدانست چه بر سر او آمده نزدش
 آوردند و دو سه روز بعد دختر پنجساله
 را با و بازگردانیدند و تا مدت چهارده
 شبانه روز در خانه آن شخص خیر خواه -
 بعسرت و سختی بسر بردند تا اینکه شیخ

آهنگ بدیع

اورا بنام جدش عبدالسمیع نامیدند . این
پسر رشید که نشان از پدربزرگوار خود در آرد
اکنون در سن قریب به شصت سالگی در نی ریز
با مادر و خانواده خود بسر میبرد و مسانند
پدر در امر مبارک ثابت و راسخ بوده و دچار
مصائب و مهالك بیشمار گشته است . از آن
جمله زمانی بدست یکی از اشرار گرفتار زنجیر
و شکنجه و عذاب گشته و بدن او را بشرب چوب
مجروح نمودند تا هرچه از مال دنیا
خواستند از او گرفته رها ساختند و دفعه
دیگر در فتنه سال ۱۳۳۴ شمسی که اکثر مردم
وساکنین شهرها و دهات بتحریر و اغوای
مفرضین و متمصبین بر علیه بهائیان هجوم
عام نمودند این مرد بزرگوار نیز در نی ریز
مورد هجوم جمعیت عوام گردیده او را از منزلش
با ازدحام و هیاهو به محله بازار کشیدند
و تکلیف به لعن و تبری نمودند او همچنان
باشجاعتی نمایان در مقابل انبوه جمعیت
خود را حاضر برای شهادت نمود و گفت من
فرزند همان دو شهید هستم که در این شهر
خون آنها بخاک ریخته شده چه باکی که
مرا هم بانها ملحق سازید در آنمیان شخص
خیر خواهی مردم را متفرق نموده و او را از
چنگ آنان نجات داد .

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب
باین مادر مستمیده میفرمایند :

"نی ریز کنیز عزیز الهی پریجان صبیحه
حضرت ملا محمد علی شهید و ضلع ملا حسن
شهید علیها البهاء الابهی .
ای یادگار دو شهید مجید فی الحقیقه در
ایام زندگانی دمی نیاسودی سروسامان نیافتی
راحت و آرام نجستی و شادمانی و کامرانی ندیدی
بلکه بالعکس گرفتار دام بلابودی و اسیر زنجیر
جفا تا آنکه پدر بزرگوار را در خاک و خون
غلطان دیدی و قرین نازنین را در قربانگاه
عشق منقطع الاعضاء یافتی خانه بتالان و تاراج
دادی و بلایارا متتابعاً مانند امواج دیدی
باوجود این تلخزیدی و آه پنهان نکشیدی
و چشم گریان و قلبسوزان را بالطف و عنایت
حضرت رحمن تسلی بخشیدی مختصر اینست
که هر جام تلخی چشیدی و هر مصیبتی دیدی
تا آنکه در درگاه جمال مبارک روحی لاجبائیه
الفداء مقبول و مقرب گردیدی . . ."

و همچنین خطاب بفرزندش اقا عبد -

السمیع چنین میفرمایند :

"ای ولد حضرت شهید مجید نامه شما
رسید و در این چند روز پیش باوجود عدم مجال
نامه نی به نی ریز مرقوم گردید ذکر احبای
الهی علی الخصوص با زماندگان شهدا در آن
مفصل گردید البته خواهد رسید لهذا مجال
به تفصیل ندارم محبت دل و جانرا با زماندگان
شهداء تقریر و تحریر نتوانم و بقدر امکان در

عکسهای تاریخی

- (عکس بالا صفحه مقابل) - مجمع جوانان بهائی طهران سنه ۱۳۱۱ شمسی
- ۱ - ایادی امرالله جناب ذکرالله خادم ۲ - جناب عزتالله علایی ۳ - جناب حسیب پزشگپور ۴ - جناب عنایتالله فائز ۵ - جناب عینالدین علایی ۶ - جناب ایوب رفعت
 - ۷ - جناب حسامالدین نبیل ۸ - جناب حسن منشی زاده ۹ - جناب گارنیگ ما سیهیان (مهاجر فعلی شهبسوار) ۱۰ - جناب ابراهیم ساجد ۱۱ - جناب موسی ساجد ۱۲ - جناب فوزی احمد زاده ۱۳ - جناب مهندس شوقی قدیمی ۱۴ - جناب جلال مهاجر موهید ۱۵ - جناب آزاده ۱۶ - جناب نورالله یوسفیان ۱۷ - جناب عطاءالله حقیقی ۱۸ - جناب مهرآئین ۱۹ - جناب مستقیم ۲۰ - جناب رحمتالله آزرگان ۲۱ - جناب عطاءالله صدقی ۲۲ - جناب آگاه ۲۳ - جناب عارف خادم ۲۴ - جناب ضیاءالدین نبیل اکبر ۲۵ - جناب نصرالله نادری ۲۶ - جناب خسرو مقبل ۲۷ - جناب شکرالله مسرور ۲۸ - جناب روحالله متحده ۲۹ - جناب عباس ضیائی ۳۰ - جناب میثاقی (پوست فروش) ۳۱ - جناب حسن نادری ۳۲ - جناب عبدالله انور .

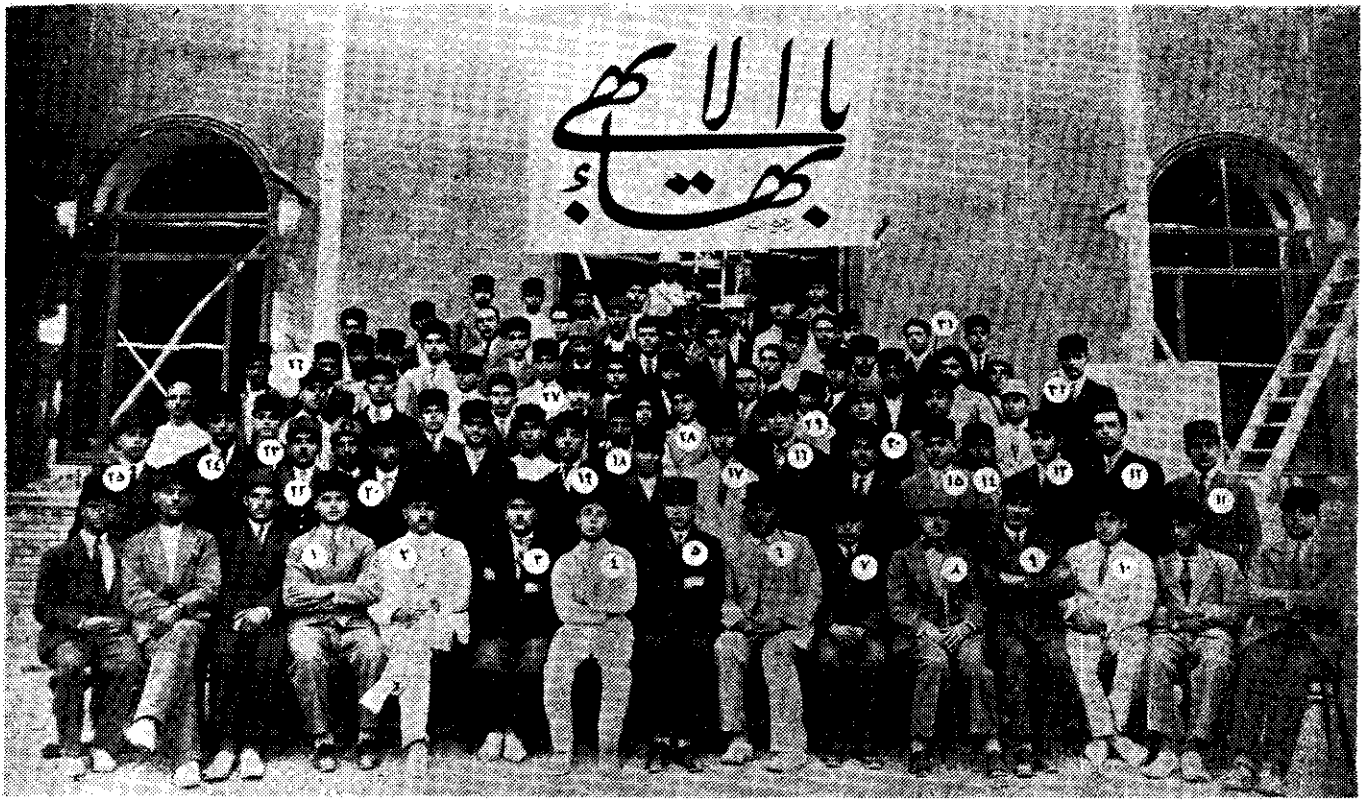
~~~~~

( عکس پائین صفحه مقابل ) جمعی از حضرات ایادی امرالله و ناشرین نفعاتالله و یاران و جوانان عزیز در قریب پنجاه سال قبل ( این عکس در حیات شعبه مدرسه تربیت از مدعوین جشن درس اخلاق گرفته شده است )

چون پس از شماره گذاری در متن عکس اکثریت حاضرین توسط خادم امرالله جناب سیفالله مجیدی علیه بهاءالله معرفی شدند علیهذا بدون در نظر گرفتن شماره های متن نفوس حاضر در عکس را که اکثراً صمود نموده اند بشرح زیر معرفی مینماید :

- ۱ - جناب ۴۰۰۰ خادم مدرسه ۲ - آقا عزیزالله هدایت ۳ - میرزا تقی خان مرشد زاده
- ۴ - آقا ابوالقاسم ۵ - فضلالله مجیدی ۶ - دکتر شکرالله مجیدی ۷ - غلامعلی نشوار
- ۸ - سید محسن اساسی ۹ - لطفالله موهبت ۱۰ - ۴۰۰۰ ۱۱ - دکتر رضیالروح





وظائف خود طرحی دقیق تهیه و اجرا کنند . هر تشکیلی از تشکیلات امریه اثر در آغاز سال نقشه ای برای کارهای خود تهیه و تنذیم کند و هدفهای خود را در آن سال با مطالعه دقیق معلوم سازد . مسلم است که نیروی آن تشکیل کلا مصروف اجرای اهداف مصرحه خواهد شد . حاصل کار تشکیلی که هدفهای مشخص و معلوم نباشد از سرانجام کشتی بی مقصدی که در اقیانوس بیکران سرگردان است بهتر نخواهد بود . نه آن بخدمتی که شایسته آستان جمال کبریاست موفق میشود و نه این رهبر منزل مقصود میبرد .

طلوع یوم جدید ( بقیه از صفحه ۳۷۰ )

از اینجهت همه دستها سست میشود و دللهای همه مردم گداخته میگردد . (۱)  
 "بنابراین آسمان را متزلزل خواهیم ساخت و زمین از جای خود متحرک خواهد شد . . . .  
 زمین مثل مستان افتان و خیزان است و مثل سایه بان بچپ و راست متحرک است . (۲)  
 این نیروی عظیم الهی میتواند شهری را نورانی نماید یا آن را بتوده بخار مبدل سازد  
 حال دیگر این بسته به احساسات اخلاقی ماست که چگونه آنرا مورد استفاده قرار دهیم (بقیه دارد)  
 جناب ولی الله ورقا ( بقیه از صفحه ۳۷۵ )

آرامگاه ابدی ایشان از قبل برحسب صوابدید هیکل مبارک در مدینه اشتوتگارت مقرر گردیده بود . و با آنکه قوانین بلدی انتقال اجساد را از شهری به شهر دیگر ممنوع و مقامات رسمی اجازه آنرا نمیداد چون خاطر مقدس مولای مهربان بر استقرار جسد ایشان در اشتوتگارت تعلق گرفته بود پس از مراجعات زیاد تأییدات فیبیه و همت امه الله الموقنه خانم مولسگل (علیها رضوان الله که در تابستان امسال بملکوت ابهی صعود نموده اند ) موانع مرتفع و در آخرین ساعت اجازه انتقال کسب گردید . مراسم تشییع و تدفین بطرزی مجلل بهمت و شرکت یاران راستان مقیمین اشتوتگارت و سایر شهرهای آلمان بحمل آمد و احبای عزیز آلمانی و ایرانی تملقات - خاطرشان را نسبت به آن متصاعدالی الله با ایراد خدایات و انشاء قصائد ابراز و خانواده ورقا را مرهون محبت های خویش نمودند .

## آهنگ بدیع

وحدت لسان و خط ( بقیه از صفحه ۳۸۵ )

الهی در عقول و افکار افراد انسانی می باشد .  
فهرست منابع و مأخذی که در تهیه و تنظیم سلسله مقالات وحدت لسان و خط مورد استفاده قرار گرفته است

مجموعه منابع

- ۱- کتاب مستاب اقدس
- ۲- لوح مبارک ابن زئب
- ۳- الواح مبارکه اشراقات - بشارات و کلمات <sup>فردوسی</sup>
- ۴- مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله
- ۵- الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء
- ۶- خطابات مبارک
- ۷- گنجینه حدود و احکام
- ۸- پیام ملکوت
- ۹- مبادی روحانی
- ۱۰- مجلدات آهنگ بدیع
- ۱۱- دایرة المعارف بریتانیکا
- ۱۲- سبک شناسی ملك الشعراء بهار
- ۱۳- دست ور زبان فارسی همان فرخ
- ۱۴- حقوق بین المللی دکتر صفدری
- ۱۵- مجله سخن
- ۱۶- مجله دانشکده ادبیات

مناسبات روح و بدن ( بقیه از صفحه ۳۶۲ )

افراد انسانی را حاصل است لذا آن قوه کلیه بعد از تعلق با افراد جنبه اختصاص و تشخص بدست می آورد یعنی مخصوص بهر شخص از اشخاص انسان میشود و چون آن قوه کلیه مبدأ حفظ نظام عالم یعنی حافظ روابط ضروریه اشیاء با یکدیگر است ظهور آن در هر فرد انسانی نیز بصورت موهبتی در می آید که حاکی از روابط اشیاء و کشف این روابط و مبین آنها بصورت احکام عقلی و تمایز لفظی است و این همان موهبتی است که نام آن روح عاقله یا نفس ناطقه است و خاصیت اصلیه آن کشف روابط ضروریه اشیاء و جستجوی وحدت مکنونه در ورای کثرت ظاهر آنهاست .

راجع بکیفیت بقای روح و تشخص یا کلیت آن در مقالات بمسئله بحث خواهد شد .

مجموعه منابع

مجموعه منابع

## ۱ هنگمبد بیح

یا دنگار دوشمید صمید ( بقیه از صفحه ۴۰ )

مکاتیب سابقه و لاحقہ حاسیات وجدانیہ بیان گردید اطفال شهدا گلہای حدیقہ شہادتند و نہالہای جو بیار جانفشانی دیگر معلوم است کہ در ساحت کبریاء و ملکوت ابہمی بچہ مہاا تسی متہاهی ...

اینکاین مادر و فرزند در بین احبای عزیزنی ریز چون شمع میدرخشند و با احباء روح - میبخشند و ہر زمان کہ گوش شنوائی بیابند سرگذشت خود را کہ سراسر حاکی از قوت ایمان و ثبات و استقامت در راه جانان است با بیانی سادہ و دلنشین حکایت مینمایند - باشد کہ اخلاف نیز بروش اسلاف از مشکلات نہراسند و با کمال عشق و دلہستگی بخدمت آستان مقدس پردازند تا آنچه کہ در بارہ این " قریہ مبارکہ " وعدہ دادہ شدہ کاملاً تحقق پذیر

~~~~~

عکسہای تاریخی (بقیہ از صفحه ۴۰۲)

۱۲ - ید اللہ ال نداد ۱۳ - عباس ایمن ۱۴ - . . از کارمندان آقای ہاشمی زادہ متوجہ
بودہ اند ۱۵ - فضل اللہ مودت ۱۶ - محمد کریم .

ردیف دوم نشستہ روی صندوقی از راست بچپ - محمد حسن صباغ - میرزا نظام الدین - جناب
سینا - جناب ابن ابہر ایادی - جناب ابن اصدق ایادی - جناب شیخ زین العابدین - آقا
سید حسن ہاشمی زادہ متوجہ - جناب محسن دبیر موعید - آقا حسینعلی نور - آقا سید
جلال سینا - دکتر مسیح ارجمند

ردیف سوم ایستادہ از راست بچپ - آقا محمد در لباس پلیسی - شناختہ نشد - میرزا یعقوب
مہینی - آقا عنایت اللہ پسر آقا حسینعلی نور - جناب ایوب رفعت - میرزا موسی مہین - آقا سید
نصر اللہ اساسی - جناب صادق ناظریان - جناب نور محمد خان - جناب آقا عباس ایقانی - شنا
نشد - آقا محمد حسن نراقی - شناختہ نشد - آقا سید علی معمار (صف چہارم ایستادہ از راست
بچپ) آقا غلامحسین ہدایت - آقا . . ہدایت - آقا . . معلم مدرسہ - جناب مشہدی حیدر
(امید ی) - پسر جناب موسی مہین - شناختہ نشد - جناب وجیہ اللہ موعید (معلم مدرسہ)
آقا حبیب اللہ - جناب حاج بابا - از احبای ہمدان - جناب حبیب اللہ ابن صباغ - جناب
آقا ید اللہ آقا عبدالصمد طراز - جناب سیف اللہ مجیدی (دو نفر دیگر شناختہ نشدند)

فهرست عمومی

مندرجات سال نوزدهم آهنگ بدیع

(۲۱ بدیع-۱۳۴۳)

شمسی

مستند

الف - آثار مبارکه

مستند

- ۱- لوح صادره از كلك اطهر مرکز میثاق (الهی الهی تری وجوها نضرة مستبشرة...) ۲
- ۲- مناجات حضرت عبدالبهاء (ای خدای بی مانند - ای رب الملکوت...) ۳۸
- ۳- از بیانات حضرت عبدالبهاء از بدایع الآثار (حکمت تبعید) ۵۳
- ۴- قسمتی از پیام مبارکه موعظ چهارم ص ۵۳- (این بهاء وسیع وعظیم وجسیم...) ۷۴
- ۵- قسمتی از توفیق مبارکه شباط ۱۹۲۳ (و چون واضح و مؤسس قوانین...) ۸۱
- ۶- از بیانات مبارکه از بدایع الآثار (درباره تشریف کیوان میرزا) ۹۵
- ۷- قسمتی از سوره هیگل (هذا اليوم تصحیح الصخره باعلی التبیحه...) ۱۰۱
- ۸- لوح حضرت مولی‌الوری (ای منجذب بنفحات الهی مثنوی روحانی...) ۱۱۴
- ۹- لوح حضرت عبدالبهاء (بواسطه میرزا اسماعیل - ای احب ان الهی و اما... رحمان...) ۱۲۴
- ۱۰- از آثار " " (ای هم پیشه و هم اندیشه این عبد آستان) ۱۲۵
- ۱۱- قسمتی از اقتدارات ۱۳۶
- ۱۲- لوح حضرت عبدالبهاء (ای بنده بهاء تا توانی خداوند بیمانند...) ۱۵۲
- ۱۳- لوح حضرت عبدالبهاء (ای بنده الهی بازرگان ربانی شو...) ۱۸۴
- ۱۴- " " (ای نورسیدگان بهائیان و طالبان علم -) ۲۲۱
- ۱۵- از توفیق حضرت ولی‌ام‌الله (ای خانم اهل بها رفتی و شکست محفل ما...) ۲۳۲
- ۱۶- قسمتی از مکاتیب جلد سوم ۲۵۲
- ۱۷- قسمتی از توفیق حضرت ولی‌ام‌الله درباره اشتراک نشریات امری ۲۵۵
- ۱۸- لوح حضرت عبدالبهاء (ای ورقه منجذ به - هر چند وقت عشاء است) ۲۵۸
- ۱۹- لوح حضرت بهاء الله - (ای گنیز الهی انشاء الله لم یزل ولا یزال) ۲۶۲
- ۲۰- از آثار حضرت بهاء الله (نغمه قلبی بلحن پارسی برطلعة عراقی وارد...) ۳۲۴

آهنك بدیح

۳۵۸	۲۱- لوح مبارك حضرت بهاء الله (كله دره جناب حاجی بابا...)
	پ - مباحث عمومي ~~~~~
	۲۲- سر آغاز
۴	
۵	۲۳- پرورش شخصیت (ع كاشف)
۳۶	۲۴- اينك آن مردان (فریدون و همين)
۱۱۵	۲۵- ايمان (روحی ارباب)
۱۳۷	۲۶- جاده زرین (مینو درخشان)
۱۴۷	۲۷- مشعل ها میتابند (پیروز فضلی)
۱۸۵	۲۸- پنجمه نور (منوچهر شعاعی)
۲۰۰	۲۹- با کودكان خود چك و نهر فگار كنیم (ترجمه دكتر فروهی)
۲۳۱	۳۰- پاره ای نكات در تربیت نونهالان (ع - صادقیان)
۲۵۹	۳۱- وحدت لسان و خط (۱) (محمود مجدوب)
۲۶۳	۳۲- سخنی چند با مریبان كلاسهای درس اخلاق (ع - صادقیان)
۲۹۳	۳۳- قلب (روحی ارباب)
۲۹۵	۳۴- مقصود از روح چیست ؟ (دكتر داوری)
۳۱۰	۳۵- وحدت لسان و خط (۲) (محمود مجدوب)
۳۲۵	۳۶- انتخاب در جامعه بهائی (دكتر فرقانی)
۳۴۲	۳۷- وحدت لسان و خط (۳) (محمود مجدوب)
۳۵۹	۳۸- قدمی فراتر
۳۶۲	۳۹- طرح نقشه ها (صالح مولوی نژاد)
۳۷۸	۴۰- وحدت لسان و خط (۴) (محمود مجدوب)
۳۸۹	۴۱- مناسبات روح با بدن (دكتر داوری)
	ج - ایادی امرالله ~~~~~
۳۷۱	۴۲ - جناب ولی الله ورقا

آهنگ بدیع

د - شرح حال

~~~~~

- ۱۵۹ - ۴۳ - کوکب درخشنده مازندران ( علویه خانم ماهفروزگی ) ( محمدعلی ملک خسروی )
- ۱۶۵ - ۴۴ - خلیل قمر ( ابوالقاسم فیضی )
- ۲۴۲ - ۴۵ - استاد اسماعیل عبودیت (۱) ( ابوالقاسم فیضی )
- ۲۷۳ - ۴۶ - " " (۲) "
- ۳۲۶ - ۴۷ - میرزا آقا جان بشیر الهی ( عبدالحسین بشیر الهی )
- ۳۳۴ - ۴۸ - امة الله مسیزول ( فروغ اریاب )
- ۳۹۵ - ۴۹ - یادگار دوشهید مجید پریجان کنیز عزیز الهی ( محمدعلی فیضی )

### هـ - معرفی آثار مبارکه

~~~~~

- ۱۰ - ۵۰ - کتاب اقدس - (دکتر محمد افغان نصرت الله محمد حسینی)
- ۱۳۲ - ۵۱ - کتاب قرن بدیع (ع - صادقان)

و - مهاجرت و نقشه جلیله نه ساله

~~~~~

- ۷۷ - ۵۲ - ترجمه پیام منیع بیت العدل اعظم الهی خطاب به عموم احبای جهان
- ۸۲ - ۵۳ - مرحله نهائی در مسیر عظیم امر الهی ( محمود مجذوب )
- ۸۶ - ۵۴ - دومین مرحله اجرایی فرامین تبلیغی ( امیر فرهنگ ایمانی )
- ۶۳ - ۵۵ - قسمتی از پیام منیع بیت العدل اعظم الهی ( فی الحقیقه چه عزتی و چه موهبتی اعظم . . . )
- ۱۴۳ - ۵۶ - مهاجرت با مراعات اصول دیانت بهائی ( ترجمه پرویز مهندس سی )

### ز - ادبی

~~~~~

- ۴۵ - ۵۷ - جام آتش فام (افروز)
- ۱۵۴ - ۵۸ - سخن و سخنرانی (دکتر عقائی)
- ۱۸۸ - ۵۹ - نمونه هائی از آثار ادبی بهائی (۱) (محمدعلی فیضی)

آهنگ بدیع

۶۰ - نمونه های از آثار ادبی بهائی (۲) (محمد علی فیضی) ۲۲۵

ح - استدلال

~~~~~

- ۶۱ - بشارات کتب مقدسه (۱) ( ویلیام سیرز - ترجمه سپیر ) ۲۴
- ۶۲ - " (۲) " " " ۴۸
- ۶۳ - " (۳) " " " ۹۸
- ۶۴ - " (۴) " " " ۱۱۹
- ۶۵ - " (۵) " " " ۱۷۲
- ۶۶ - طلوع یوم جدید ( ویلیام سیرز - ترجمه دکتر باهر فرقانی ) ۳۶۵

### ط - تاریخی

~~~~~

- ۶۷ - چند نکته تاریخی درباره (البت سال) ۵۸
- ۶۸ - تیراندازی بسمت هیکل مبارک (از خاطرات نه ساله) ۱۲۳
- ۶۹ - گوشه ای از تاریخ (عبدالحسین کمالی) ۱۲۴
- ۷۰ - بعضی از وقایع پنجم جمادی الاول (تهیه و تنظیم هرمز دیار ثابت) ۱۲۶
- ۷۱ - داستانی از ابوالفضائل (فروغ اریاب) ۱۴۰
- ۷۲ - یک نکته تاریخی (چند واقعه در ۳۱ اگست) ۱۶۵
- ۷۳ - حکایتی از نبیل زرنندی (از خاطرات حبیب) ۱۷۵
- ۷۴ - مصطفی بیک کردی (عبدالحسین ایمانی) ۲۳۴
- ۷۵ - شهادت ملا بابائی (فروغ اریاب) ۲۵۰
- ۷۶ - زکری از نصیم شهیر (۱ - خ) ۲۶۸
- ۷۷ - سید مدینه تدبیر و انشاء (نصرت الله محمد حسینی) ۳۰۵

ی - خاطرات

~~~~~

- ۷۸ - غروب آفتاب ( اسکندر رفیعی ) ۲۰
- ۷۹ - خاطرات ایام تشریف ( ۱ ) ( اسفندیار قباد ) ۶۵
- ۸۰ - " ( ۲ ) " " ۱۰۲
- ۸۱ - شبی در جستجوی حقیقت ( زکائی بیضائی ) ۲۰۹



## آهننگ بدیع

- ۲۳۲ - ۸۲ - خاطراتی از حضرت ورقه علیا ( یدالله تبریزی )  
 ۳۸۶ - ۸۳ - شبی از عهد کودکی

### ک - نامه های تاریخی

- ۱۱۷ - ۸۴ - مکتوبی از جناب ورقاء شهید ( نقل از مصابیح هدایت )  
 ۲۹۸ - ۸۵ - نامه ای از جناب ابوالفضائل  
 ۳۲۸ - ۸۶ - " " روح الله ( نصرت الله محمد حسینی )  
 ۳۹۳ - ۸۷ - " " حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی

### ل - خبری

- ۵۶ - ۸۸ - اولین جشن رضوان در جوار روضه مبارکه ( حشمت الله وحدت )  
 ۱۶۶ - ۸۹ - افتتاح ام المعابد اروپ ( آذر علائی )  
 ۱۷۷ - ۹۰ - ندای امرالله در قطب شمال ( نامه جناب سهیل سمندری )  
 ۲۵۴ - ۹۱ - جلسه دوستداران آهننگ بدیع در گرج  
 ۲۸۵ - ۹۲ - پانزدهمین گانوشن ملی جوانان  
 ۳۱۵ - ۹۳ - یك نویسنده سوئدی در ظل امر ( نامه جناب افصحی )  
 ۳۱۷ - ۹۴ - نمایشگاه کتاب ( ع صادقیان )

### م - صفحه ای از يك کتاب

- ۳۰ - ۹۵ - خاطرات حبیب ( حضرتابی الفضائل ربیروت )  
 ۵۲ - ۹۶ - مقاله شخصی سیاح  
 ۹۴ - ۹۷ - تذکره الوفاء ( جناب درویش صدق علی )  
 ۳۴۶ - ۹۸ - رحیق مختوم ( مبشرین امر مبارک )

### ن - مصرفی کتاب

- ۲۱۴ - ۹۹ - محاضرات ( صالح موسوی نژاد )  
 ۳۵۳ - ۱۰۰ - تذکره شعرای قرن اول بهائی ( ع - صادقیان )

## آهنگ بدیع

س۔ شعر  
 ~~~~~

- ۱۸ ۱۰۱۔ بہار امسال - (ابراہیم شیروانی - مہرا)
 ۲۸ ۱۰۲۔ سفینہ حق - (ید اللہ موزون)
 ۴۷ ۱۰۳۔ باغ عرفان (مسعودی بروجردی)
 ۵۴ ۱۰۴۔ بہار و جشن رضوان (غلام اللہ صفائی)
 ۶۸ ۱۰۵۔ ماہ خرم (احمد نیکوئی نژاد-فاضل)
 ۹۶ ۱۰۶۔ خانہ عدل خدا (سید حسن حیاتی)
 ۹۷ ۱۰۷۔ آہنگ جاویدان (زرین تاج ثابت)
 ۱۲۸ ۱۰۸۔ محاکمہ نازر (داکٹر مصباح)
 ۱۲۹ ۱۰۹۔ تقدیم بمظلومان مراکش (غلام اللہ صفائی)
 ۱۶۸ ۱۱۰۔ پیام بجوانان بہائی (نعمت اللہ ورتا)
 ۱۸۰ ۱۱۱۔ عمل (بہیہ مظفری نژاد)
 ۱۸۰ ۱۱۲۔ این شب تاریک (فرنگیس ندافی)
 ۱۸۰ ۱۱۳۔ آہنگ جدائی (ع فانی)
 ۲۰۳ ۱۱۴۔ شاہباز عدل (مسعودی بروجردی)
 ۲۳۵ ۱۱۵۔ ترجیح بند (مصطفی بیک کردی)
 ۲۷۸ ۱۱۶۔ غروب جمال جانان (غلام اللہ صفائی)
 ۳۰۲ ۱۱۷۔ قدرت عشق (عطاء اللہ فریدونی)
 ۳۰۳ ۱۱۸۔ طبیب دل بیمار (ید اللہ موزون)
 ۳۰۳ ۱۱۹۔ فرصت خدمت (ید اللہ موزون)
 ۳۴۰ ۱۲۰۔ خیمہ وحدت (داکٹر مصباح)
 ۳۴۱ ۱۲۱۔ از نرہ کسب فیض مکن (احمد نیکوئی نژاد-فاضل)
 ۳۷۷ ۱۲۲۔ زندہ عشق (زرین تاج ثابت)
 ۳۸۸ ۱۲۳۔ نور بخش عالم (مسعودی بروجردی)

~~~~~

## آهنگ بدیع

ع - متفرقه  
~~~~~

- ۲۹ - ۱۲۴ - تبلیغ در ترن (ترجمه، پرویز مهندسی)
- ۶۹ - ۱۲۵ - يك جوان مخترع بهائی
- ۱۵۳ - ۱۲۶ - سخنی چند با اهل قلم
- ۲۰۵ - ۱۲۷ - ملاقاتی با يك نویسنده بهائی (ع - صادقیان)
- ۲۱۸ - ۱۲۸ - خاطرات تاریخی (اعلان)
- ۲۸۰ - ۱۲۹ - چگونه مؤمن شدم (ترجمه عنایت الله سپهر)
- ۴۰۷ - ۱۳۰ - فهرست عمومی
- ۱۰۷ - ۱۳۱ - مقدمه عکسهای تاریخی ~~~~~
- ۱۰۸ - ۱۳۲ - جمعی از احبای سمرقند در سال ۱۹۰۷ میلادی
- ۱۷۰ - ۱۳۳ - جمعی از احبای الهی روی پله مشرق الاذکار عشق آباد
- ۲۱۲ - ۱۳۴ - کلاسهای درس اخلاق واشنگتن (ص ۱۹۰۹)
- ۲۱۲ - ۱۳۵ - " " بالاخانی (باد کوبه) (اپریل ۱۹۲۴)
- ۲۴۹ - ۱۳۶ - جمعی از احبای قزوین (در حدود سال ۱۳۰۱ شمسی)
- ۲۸۲ - ۱۳۷ - جمعی از ناشرین نفحات الله قریب هفتاد سال قبل
- ۳۰۹ - ۱۳۸ - اعضای محفل روحانی طهران (در سال ۱۳۰۰ شمسی)
- ۳۵۲ - ۱۳۹ - مجمع نمایندگان آذربایجان با حضور رئیس مارتاروت (۱۹۳۰ میلادی)
- ۴۰۲ - ۱۴۰ - مجمع جوانان بهائی طهران سنه ۱۳۱۱ شمسی)
- ۴۰۲ - ۱۴۱ - جمعی از شاگردان و مربیان مدرسه تربیت در حضور جمعی از ناشرین نفحات الله

ص - جدول
~~~~~

- ۳۵ - ۱۴۲ - جدول هجین - ( فرهنگ نگارستان )
- ۷۱ - ۱۴۳ - جدول شماره ۱۶ " " " " " " " "
- ۱۰۹ - ۱۴۴ - " " " " " " " " ۱۷ قدوس
- ۱۴۹ - ۱۴۵ - " " " " " " " " ۱۸ شیراز ( فرهنگ نگارستان )

## آهنك بديع

فهرست تصاویر  
مممممممممممممممممممممممم

|                 |                                                       |
|-----------------|-------------------------------------------------------|
|                 | ۱- منظره ای از کوه کرمل ( مقام اعلی و دارالآثار )     |
| پشت جلد شماره ۱ | ۲- لجنه جوانان مشهد                                   |
| ۱۶              | ۳- جشن جوانان گنبد کاوس                               |
| ۱۶              | ۴- جناب بالیوزی و جمعی از شرکت کنندگان گنگره لندن     |
| پشت جلد شماره ۲ | ۵- جشن جوانان سیستان                                  |
| ۵۱              | ۶- لجنه جوانان دیزناب                                 |
| ۵۱              | ۷- جشن جوانان قریه بدیع                               |
| ۵۱              | ۸- آلبرت هال                                          |
| ۵۶              | ۹- قسمتی از داخل البرت هال در هنگام انعقاد گنگره لندن |
| ۵۹              | ۱۰- جمعی از شرکت کنندگان گنگره در مقابل آلبرت هال     |
| ۵۹              | ۱۱- بنای یادبود البرت                                 |
| ۶۰              | ۱۲- لجنه جوانان آبادان                                |
| ۶۴              | ۱۳- لجنه جوانان قوچان                                 |
| ۶۴              | ۱۴- لجنه جوانان مهاباد                                |
| ۶۴              | ۱۵- اعضای محفل ملی در سال جدید                        |
| پشت جلد شماره ۳ | ۱۶- لجنه جوانان سروستان                               |
| ۱۰۶             | ۱۷- لجنه جوانان هفتو                                  |
| ۱۰۶             | ۱۸- " " کازرون -                                      |
| ۱۰۶             | ۱۹- جشن جوانان برازجان                                |
| پشت جلد شماره ۴ | ۲۰- مظلومان مراکش پس از آزادی از زندان                |
| ۱۲۸ - ۱۲۹       | ۲۱- مظلومان مراکش ( ۱۰ نفر )                          |
| ۱۳۲             | ۲۲- پشت جلد کتاب قرن بدیع ( گاد پاسزهای )             |
| ۱۳۷             | ۲۳- مظلومان مراکش هنگام خروج از زندان                 |
| ۱۳۷             | ۲۴- " " " "                                           |

## آهنگ بدیع

|                 |                                               |
|-----------------|-----------------------------------------------|
| پشت جلد شماره ۵ | ۲۵ - یکی از کارتهای مشرق الاذکارهای جهان      |
| ۱۷۶             | ۲۶ - لجنه جوانان بهنمیر                       |
| ۱۷۶             | ۲۷ - لجنه جوانان عرب خیل                      |
| ۱۷۶             | ۲۸ - لجنه جوانان برشت                         |
| پشت جلد شماره ۶ | ۲۹ - جناب خلیل قصر                            |
| ۱۹۹             | ۳۰ - جوانان رزیکلا                            |
| ۱۹۹             | ۳۱ - لجنه جوانان ساعد لو                      |
| ۱۹۹             | ۳۲ - لجنه جوانان بالو                         |
| ۱۹۹             | ۳۳ - لجنه جوانان دینج تکیه                    |
| ۱۹۹             | ۳۴ - لجنه جوانان آلمان آباد                   |
| ۱۹۹             | ۳۵ - لجنه جوانان چهاربخش                      |
| ۱۹۹             | ۳۶ - لجنه جوانان زاویه کندی                   |
| پشت جلد شماره ۷ | ۳۷ - نمای ساختمان جدید مدرسه تا بهستانه طهران |
| ۲۳۲             | ۳۸ - حضرت ورقه علیا                           |
| ۲۵۳             | ۳۹ - جشن جوانان اصفهان                        |
| پشت جلد شماره ۸ | ۴۰ - کانونشن ملی جوانان                       |
| ۲۶۸             | ۴۱ - جناب نعیم                                |
| ۲۸۸             | ۴۲ - جوانان فریدون کنار                       |
| ۲۸۸             | ۴۳ - جوانان رستم آباد                         |
| ۲۸۸             | ۴۴ - انجمن شور جوانان خراسان                  |
| ۲۸۸             | ۴۵ - جشن جوانان رضائیه                        |
| پشت جلد شماره ۹ | ۴۶ - نمایشگاه کتاب ( غرفه آهنگ بدیع )         |
| ۳۰۴             | ۴۷ - لجنه جوانان رامسر                        |
| ۳۰۴             | ۴۸ - مسابقات ورزشی جوانان ساری و گرگان        |
| ۳۰۴             | ۴۹ - لجنه جوانان ساری                         |

آهنگ بدیع

|                     |                                              |
|---------------------|----------------------------------------------|
| ۳۰۴                 | ۵۰ - لجنه جوانان بابل                        |
| ۳۰۴                 | ۵۱ - لجنه جوانان شاهی                        |
| ۳۰۴                 | ۵۲ - لجنه جوانان سنگسر                       |
| ۳۱۶                 | ۵۳ - نمونه هائی از نمایشگاه کتاب ( ۴ عکس )   |
| ۳۲۰                 | ۵۴ - لجنه جوانان شیراز                       |
| ۳۲۰                 | ۵۵ - لجنه جوانان سنندج                       |
| پشت جلد شماره ۱     | ۵۶ - درب خروجی مشرق الازکار استرالیا         |
| ۳۲۸                 | ۵۷ - جناب روح الله                           |
| ۳۲۹                 | ۵۸ - جناب بشیر الهی                          |
| ۳۵۵                 | ۵۹ - جوانان بهائی شمسوار                     |
| ۳۵۵                 | ۶۰ - لجنه جوانان ضیاء کلا                    |
| پشت جلد شماره ۱۲۹۱۱ | ۶۱ - يك حثيرة القدس درگينه جديد              |
| ۳۷۱                 | ۶۲ - ایادی امرالله جناب ولی الله ورقا        |
| ۳۷۶                 | ۶۳ - لجنه جوانان بهائی زابل - هفت تپه - مرند |
| ۳۷۶                 | ۶۴ - کانونشن محلی جوانان قسمت امری کرمانشاه  |
| ۳۹۵                 | ۶۵ - پریجان کنیز الهی                        |

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXX

XXXXXX

X